توقیع منیع مبارک حضرت ولیِّ امر اللّه باعزاز بهائیان شرق (مورّخهء نوروز سنهء ١١٠ بدیع) نشریّهٴ محفل روحانی ملّی بهائیان هند و پاکستان و برما توقیع منیع مبارک نوروز یکصد و ده (١١٠) صادر از یراعهء مولای توانا حضرت ولیّ امر اللّه ارواحنا لعنایاته الفدا

**هیئت محترمهٴ مجلّلهٴ ایادی امر اللّه و حضرات افنان ثابتهء راسخهٴ بر میثاق اللّه و جنود منصورهٴ مجاهدان و مهاجران فی سبیل اللّه و عصبهٴ جلیلهٴ**

**مبلّغان و ناشران نفحات اللّه و اعضای محافل مقدّسهٴ روحانیّه**

**ارکان و حامیان شریعة اللّه و افراد جامعهء پیروان دین اللّه**

**در کشور مقدّس ایران و خطّهٴ هندوستان و برما**

**و پاکستان و اقالیم عربستان و قطر مصر و**

**سودان و ترکیه و افغانستان و عراق عرب**

**و سوریّه و لبنان رجالاً و نساءً صغیراً**

**و کبیراً ملاحظه نمایند**

ایّها المتمسّکون بالعروة الوثقی و المضطهدون فی سبیل ربّنا البهیّ الغالب القاهر الابهی و المجاهدون لنصرة امره الارفع الاعزّ الاعلی و المؤسّسون لارکان نظمه الابدع الاعظم الامتن الاسنی در این اوان که نوروز فیروز سنهٴ عاشر قرن دوم بهائی با عید مئوی دعوت سرّی جمال اقدس ابهی روحی للمبتلین فی سبیله الفدا توأم گشته و این دو جشن افخم در این سنهٴ مقدّسهٴ مبارکه در سراسر عالم بهائی بر پا و از مکمن اسنی و رفرف اعلی ندای جانفزای البدار البدار یا معشر الابرار قوموا عن مقاعدکم و انفقوا ما وهبکم ربّکم و اهجروا دیارکم و اوطانکم و انصروا بارئکم و بلغوا النّاس ما بلغکم محبوبکم و مولاکم خطاب باهل بها و اصحاب رایة بیضاء در قارّات خمسه متواصل و هلهلهٴ کروبیّین و قدّیسین و ملائکهٴ مقرّبین در تشجیع جیش عرمرم بهاء و اشتراک در جهاد جهانی روحانی کبیر اکبر متصاعد و شارع قدیر و مبشّر فریدش هر دو از اعلی غرفات جنّت ابهی ناظر و شاهد و نقشهٴ ملکوتی غصن افخمش و مهندس نظم بدیع جهان آرایش که در کتاب وصایا و الواح اخری مدوّن و مسطور و در انظار عالمیان مکشوف و فیالق تأیید مستعدّ نزول و نصرت بانیان قصر مشیدند و گروه مجاهدین و مجاهدات در شرق و غرب و جنوب و شمال صف بسته مهیّای خروج و هجوم و کفاحند این عبد آستان بیاد آن یاران راستان که اکثر در پنجهٴ تقلیب گرفتارند مشغول و بذکرشان مألوف و از نتایج بلایا و تراکم رزایای واردهٴ بر آن حبیبان که در آتش حسرت و حرمان سوزانند متحسّر و متألّم از شدّت فوران نار محبّت و با وجود مشاغل و غوائل بی حدّ و حصر که در نتیجهٴ اتّساع خارق العادهٴ دائرهٴ امر اللّه از شش جهت این عبد را احاطه نموده قلم برداشته تا شمّه ئی از فتوحات جلیله و انتصارات باهره و حوادث جسیمه و وقایع تاریخیّه که در این دو سنهٴ اخیره در جامعهٴ پیروان امر حضرت ربّ البریّه جلوه نموده در این اوراق ثبت نماید و این بشارات را بآن متغمّسین بحر بلا روحی لمصائبهم الفدا ابلاغ نماید و افئدهٴ آن ستمدیدگان را شاد و مستبشر گرداند.

ای یاران با وفا چه مقدار عظیم است امر عزیز الٓهی و چه مقدار متین و رصین است بنیان آئین مقدّس یزدانی و چه مقدار عجیب و غریب است تصرّفات قوّهٴ ازلیّهٴ قدسیّهٴ دافعهٴ ساریهٴ صمدانی که در مدّت صد سال از سنهٴ تسع که میقات انقضای دورهٴ بیان و ظهور ثمرهٴ آئین مبشّر امر محبوب و مقصود عالمیان و افتتاح عهد افخم اعزّ جمال رحمن است الی یومنا هذا در بسیط غبراء علی رؤوس الاشهاد ظاهر و باهر گشته ملاحظه نمائید که شجرهٴ لا شرقیّه و لا غربیّه که در عهد آدم ید قدرت الٓهیّه در ارض مشیّت غرس نموده و در ادوار سابقه در ارض میعاد در عهد حضرت خلیل و حضرت کلیم و حضرت روح و در جزیرة العرب در عهد حضرت خاتم و در کشور ایران و هندوستان در عهد حضرت زردشت و حضرت بودا و سایر انبیای اولو العزم صلوات اللّه علیهم اجمعین در مدّت شش هزار سال متدرّجاً نشو و نما نموده و به دم شهدای لا تعدّ و لا تحصی سقایت گشته و با وجود هبوب اریاح مخالف و عواصف گوناگون ریشه اش مستحکم گشته و اغصان و افنان و فروعش در ممالک و بلدان در خاور و باختر تعدّد و امتداد یافته و بمرور ایّام ببرگ و شکوفه و گل آراسته و مزیّن گشته و سایه بر عالمیان افکنده و روائح معطّره اش مشام مؤمنین و مؤمنات را در بسیط غبرا معطّر نموده این شجرهٴ الٓهیّه شجرة اصلها ثابت فی ارض الکبریاء و فرعها فی السّماء که ادیان عتیقه در ادوار مختلفه از این اصل قدیم منشعب و متفرّع در سنهٴ ستّین در اقلیم فارس در مدینهٴ طیبهٴ شیراز بر اثر ظهور قائم موعود " نقطة الاوّلیّة الّتی تدور حولها ارواح المرسلین " ثمرهٴ ازلیّهء جنیّهء قدسیّه اش را که در هویّتش مکنون و مخزون بوده پس از انقضای شش هزار سال ظاهر و آشکار نمود و عالم کون را پس از طی مراحل طفولیّت و صباوت بمقام بلوغ ذاتی برسانید و این ثمر جنیّ و رطب لطیف "زیتونة لا شرقیّه و لا غربیّه" "قرّة عیون النّبیّین" "و الظاهر بآثار جمیع الانبیاء" در مدّت شش سنه در آسیاب محن و بلا و رنج و ابتلا مقهور و معصور گشت و عاقبة الامر در خطّهٴ آذربایجان در اثر رزیّهٴ عظمی و شهادت کبری خود را در سبیل ظهور اشراق "بهاء السّموات و الارض" فدا نمود سپس در سنهٴ تسع در زندان ارض طا آن سجن انتن مظلم زیت این ذبح اعظم و دهن لطیف آن شهید اکبر افخم و فدائی موعود و مقصود امم مشتعل و روشن گشت و بر اثر تجلّی روح اعظم بر قلب ممرّد الطف جمال قدم و مظلوم عالم رشحی از نور مهیمن حمراء بر عالمیان در ظلمت آن زندان مبذول گشت سپس آن لمعهٴ نور که در طور اکبر درخشیده و طوریّون از لمعانش منصعق گشته در مدّت ده سال در پس حجبات و سبحات غلیظهٴ اهل غلّ و بغضاء در مدینة اللّه مقنوع گشت و پس از انقضای سنین مهلت در حین حرکت سلطان ظهور از دار السّلام بغداد بمدینهٴ کبیره مصباح محجوب و مغطوء جلوه ئی شدید بنمود و در انتهای واحد از بحبوحهٴ رضوان پرتو بر عالمیان بیفکند متعاقباً در ارض سرّ بر حسب وعدهٴ صریح مبشّر امر حضرت ربّ العالمین در بدایت ثمانین مصباح الٓهی بفرمودهٴ جمال ابهی در بلِّور اخری مشتعل گشت و انوار ساطعه اش اقالیم مجاوره را روشن و منوّر گردانید سراج امر که نطاق انوارش پس از شهادت حضرت ربّ اعلی منحصر بمهد امر و عراق عرب بود در ایّام توقّف شارع اعظم در ارض سرّ و حصن عکّا چنان بر افروخت که پرتو بر آفاق روم و خطّهٴ هندوستان و قفقازیا و برما و ترکمنستان و مصر و سودان و سوریّه و لبنان بیفکند این انوار ساطعه لمعانش رفته رفته بارادهٴ غالبهٴ الٓهیّه ازدیاد یافت تا آنکه بر اثر تأسیس میثاق غلیظ و وثیق اتقن اقوم موعود امم در سجن اعظم تجلّیات این مصباح در ایّام مرکز عهد محیی رمم از خاور بر باختر منعکس گردید و حرارت این نار ذات الوقود پس از صعود جمال کبریاء بقارّهٴ امریکا سرایت نمود و در اقصی الغرب مشتعل گشت و از خطّهٴ امریک بقارّهٴ اروپ و در اواخر دورهٴ میثاق این انوار شرق اقصی را منوّر ساخت و در ماوراء البحار در قارّهٴ نائیهء استرالیا متلئلأ گشت اینست که میفرماید "لو یسترون النّور فی البرّ انّه یظهر من قطب البحر و یقول انّی محیی العالمین" و قبل از اختتام عهد رسولی دور اوّل کور مقدّس که مقارن با افول کوکب میثاق حیّ لایموت بوده شعشعات انوار این مصباح سی و پنج (٣٥) اقلیم از اقالیم شرقیّه و غربیّه را روشن و منوّر ساخت و قارّات خمسهٴ عالم از فیوضات بهیّهٴ باهره اش مستنیر و مستفیض گشت اذاً تحقّق ما صدر من قلم المیثاق قوله عزّ بیانه "و سترون انّ الاشعّة السّاطعة من شمس المیثاق احاطت الآفاق و تزلزلت ارض الشّبهات و فاض غمام العهد و غیض غدیر النقض یومئذ ترون جمال العهد مستقرّا علی کرسیّ الجلال و آیات المیثاق تتلی علی الآفاق" طولی نکشید که بر اثر وضع اساس و نصب قواعد و رفع اعمدهٴ اوّلیّهٴ نظم بدیع جهان آرای الٓهی که مبشّرش ربّ اعلی و نقطهٴ اولی و واضع احکامش شارع قدیر جمال اقدس ابهی و مهندس و مبیّنش مرکز میثاق بهاء نور جهان افروز این مشعلهٴ الٓهیّه بر جمهوریّات مرکزی و جنوبی امریک و ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه در قطعات اروپا و آسیا پرتو بیفکند و در قلب عالم چنان فورانی نمود که مقارن احتفال عید مئوی بعثت حضرت نقطهٴ اولی عدّهٴ ممالک و بلدان که در ظلّ رأیت الٓهی محشور و از انوار بهیّه اش مستنیر گشته به هفتاد و هشت (٧٨) بالغ گشت و در این سنین اخیره در مدّت نه (٩) سال که فاصلهء بین عید مئوی اوّل و ثانی اهل بهاست لشکر حیات به تأییدات ربّ الآیات البیّنات بفتح پنجاه (٥٠) مملکت دیگر مفتخر و مجموع عدد ممالک و بلدان که در حین ترقیم این اوراق بقوّهٴ اسم اعظم مسخّر و از اشراقات محیّر العقول این نور جهان افروز منوّر گشته به یکصد و بیست و هشت (١٢٨) بالغ این است که از قلم غصن اعظم و مبیّن آیات جمال قدم و مرکز عهد اقوم اتقن این بیان اکمل اتمّ صادر قوله عزّ اعزازه "سراج میثاق شدّت اشراقش بعد از انکسار زجاج است". و همچنین میفرماید " اگر چنانچه وقتی آید که غصن از عالم جسمانی انفصال یابد و اوراقش بریزد هراسان مشوید زیرا سبز و خرّم شود و پس از مفارقتش چنان انبات نماید و بروید که عالم وجود را بظلّ خویش در آورد و اوراقش به ذروهء علیا سر بر آرد و به ثمر و فواکهی جلوه کند که جهانرا معنبر نماید" و حال پس از انقضای صد (١٠٠) سال تمام از بروز و ظهور این لمعهٴ نور و شعلهٴ ظهور که در افق نور ظاهر و باهر گشته نوری که فی الحقیقه ولید ثمرهٴ ازلیّهٴ شجرهٴ لا شرقیّه و لا غربیّه است که ششهزار سال قبل ید قدرت الٓهیّه در ارض مشیّت کشته و بریزش باران رحمت بی کرانش و حرارت فیض بی منتهایش و نسائم مهبّ عنایتش پرورش داده مقتبسین این نور هدی و فارسان جیش کبریا و گروه مجاهدین و مهاجرین و ناصرین امر بهاء که باشتراک در این جشن اکبر افخم اعلی در این سنهٴ مقدّسهء مبارکه مفتخر بپاس این عنایت کبری و منحهء عظمی عزم را جزم نموده و حاضر و مهیّا گشته که به تأییدات لا ریبیّهء هاطله از ملکوت ابهی چنان قیامی نمایند که در سنین عشرهٴ آتیه که مقدّمهٴ احتفال جشن افخم اعظم و عید مئوی ثالث عالم بهائی و صدمین سال دعوت جهری جمال لایزالی و استقرار مکلّم طور بر عرش ظهور است بفتح و تسخیر یکصد و سی و یک (١٣١) مملکت دیگر از ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه و جزائر مهمّهٴ کرهء ارض نائل و مفتخر گردند تا بمنّه و فضله و هدایته عدّهٴ ممالک و بلدان که در مدّت یک قرن بل ازید بقوّهٴ اسم اعظم در ظلّ امر اللّه وارد گشته مضاعف گردد و شعلهٴ این آئین نازنین در ارکان عالم بر افروزد و لهیب سراجش بعنان آسمان رسد و تجلّیاتش آفاق و اکوانرا احاطه نماید و نورش جهانتاب گردد و صیت عظمت و اقتدار و قهّاریت و غلبهٴ ظاهره و سیطرهٴ محیطه اش جهانگیر گردد و وعدهٴ غصن برومند بهاء که در دو لوح امنع اقدس در تفسیر آیهٴ کریمهٴ سفر حضرت دانیال مدوّن و مسطور است تحقّق پذیرد قوله عزّ کلمته " در آن تاریخ آثار علوّ و امتناع و سموّ و اعتلا از برای کلمة اللّه در شرق و غرب حاصل گردد ... و تعالیم اللّه تتمکّن فی الارض حقّ التّمکّن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها یؤمئذ یفرح المؤمنون". نعم العزم هذا العزم و نعم القیام هذا القیام بهما استفرحت ارواح الملأ الاعلی و اهتزّت هیاکل الصّافین و الکروبیّین فی الافق الابهی و ارتفع صوت التّهلیل و التّکبیر فی بحبوحة الفردوس خلف حرم الکبریاء سبحان ربّنا البهیّ الابهی سبحان ربّنا العلیّ الاعلی تعالی تعالی ربّنا المسخّر المتجبّر الناصر الغالب المقتدر القهّار له الغلبة و الهیمنة و الاستقلال و العزّة لاحبّائه و ایادی امره و افنان شجرته و امناء شریعته و انصار دینه و المختارون فی ملکوته

یا احبّاء البهاء و مطالع انواره و مظاهر آثاره وقت آنست که بیمن و مبارکی این سنهٴ مقدّسه نظر را بالواح الٓهیّه و صحف قیّمه و ببعض از قصائد و مدائح در وصف بیان میقات و اثبات عظمت و اهمیّت این سنه که بسنهٴ بعد حین معروف و موصوف است متوجّه و منعطف سازیم و در کیفیّت و رفعت آن تفکّر و تمعّن نمائیم حلول این سنهٴ مقدّسه که فی الحقیقه ولید اوّلین عهد پر شور و آشوب عصر رسولی دور بهائی است و مبدأ الف سنهٴ مذکورهٴ در کتاب الٓهی و اختتام دورهٴ شریعت بیانی و افتتاح عهد مشعشع جمال لا یزالی غرّهٴ محرّم الحرام سنهء (١٢٦٩) هزار و دویست و شصت و نه از هجرت رسول اکرم علیه الصّلوات و السّلام است پس از انقضای دو ماه از دخول مظلوم عالم در سجن اکبر مظلم در ارض طا که به امّ العالم در امّ الکتاب ملقّب و بافق نور موصوف و بخطاب "قد جعلک اللّه مطلع فرح العالمین" مخاطب گشته حلول این سال فرخنده فال متعاقب حوادث مؤلمهٴ مازندران و نیریز و زنجان و واقعهٴ هائلهٴ شهادت شهدای سبعه در طهران و شهادت نقطهٴ اخری و رافع رأیت سوداء در خراسان و وحید عصر و فرید زمان در نیریز وشخص شاخص و صاحب قول نافذ در زنجان و شهادت نقطهٴ اولی در تبریز و مذبحهٴ کبری در ارض طا و مقارن با شهادت نقطهٴ جذبیّه سر حلقهٴ نساء دورهٴ بیان و کاتب وحی و انیس جلیل نقطهٴ اولی در جبلین شامخین و کاتب دیگر که از ارکان شرع بدیع محسوب گشت در بیان عظمت و تعیین میقات این سنهٴ مقدّسه این کلمات درّیّات از سماء مشیّت ربّ اعلی نازل قوله جلّت عظمة "و فی سنة التّسع انتم کلّ خیر تدرکون" "و فی سنة التّسع انتم بلقاء اللّه ترزقون" و هم چنین میفرماید "فانّ لکم بعد حین امر ستعلّمون" و ایضاً میفرماید "و اشهد انّ فرق القائم و القیّوم عدد تسعة ذلک ما تکملنّ الکینونات فی مقاعدهنّ ذلک فرق بین کلّ اعظم و عظیم" و ایضاً میفرماید "من اوّل ذلک الامر الی قبل ان یکمل تسعة کینونات الخلق لم تظهر و انّ کلّما قد رأیت من النّقطة الی ما کسوناه لحما ثمّ اصبر حتّی تشهد خلق الآخر اذاً قل فتبارک اللّه احسن الخالقین". و هم چنین میفرماید "امروز بیان در مقام نطفه است و در اوّل ظهور من یظهره اللّه آخر کمال بیان ظاهر میشود که ثمرات اشجاریکه غرس کرده بچینند" و ایضاً میفرماید "و لتراقبنّ فرق القائم و القیّوم ثمّ فی سنة التّسع کلّ خیر تدرکون". و ایضاً خطاباً للعظیم میفرماید " هذا ما قد وعدناک قبل حین الّذی اجبناک اصبر حتّی یقضی عن البیان تسعة فاذاً قل فتبارک اللّه احسن المبدعین"

و جمال قدم و اسم اعظم روحی لسلطنته الفداء در این مقام باین بیان ناطق قوله عزّ بهائه "در این ظهور بدع قدس رحمانی در سنهٴ تسع در سرّ سرّ نفوس مقدّسهٴ مطهّرهٴ زکیّه در همان حین تکمیل شدند" و همچنین میفرماید "در سنهٴ تسع این ظهور اعظم از مشرق ارادهٴ الٓهی مشرق و لائح لا ینکره الّا کلّ غافل مریب"

و از کلک میثاق این کلمات محکمات صادر قوله عزّ بیانه "سنهء شصت و نه ( ٦٩) که در کتاب باب به سنهٴ بعد حین تعبیر و وعد ظهور حقیقت امر و اسرار خویش نموده" و ایضاً میفرماید "فی الحقیقه در شب و روز دقیقه ئی از ذکر او فتور نداشت و جمیع تابعانرا بانتظار طلوع او دلالت مینمود بقسمی که در تألیفات خویش بیان مینماید که من از کتاب اعظم حرفی و از آن بحر بی پایان شبنمی هستم و چون او ظاهر گردد حقیقت و اسرار و رموز و اشارات من مشهود شود و جنین این امر در مراتب وجود و صعود ترقی نموده بمقام احسن التّقویم فائز و بخلعت فتبارک اللّه احسن الخالقین مزیّن گردد و این قضیّه در سنهء شصت و نه که مطابق عدد سنهٴ بعد حین است کشف نقاب کند و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمرّ مرّ السّحاب تحقّق یابد" و همچنین میفرماید "در جمیع الواح و کتب ذکر بهاءاللّه نمودند و بشارت بظهور بهاءاللّه دادند که در سنهٴ نه (٩) هر خبری می یابید در سنهء نه (٩) سعادت کلّی حاصل میکنید در سنهء نه (٩) بلقاء اللّه فائز میشوید و از این قبیل بیانات بسیار و جمال مبارک را باسم من یظهره اللّه ذکر فرموده اند".

و در مکاشفات یوحنّا این آیه مدوّن و مسطور " وای دوم در گذشته است و اینک وای سوم بزودی میآید" در تعبیر این آیه این کلمات از کلک میثاق صادر " وای اوّل ظهور محمّد بن عبد اللّه علیه السّلام وای دوم حضرت اعلی له المجد و الثّناء وای سوم یوم عظیم است که یوم ظهور ربّ جنود و تجلّی جمال موعود است". و ایضاً در تفسیر این آیه میفرماید " و این وای سوم روز ظهور جمال مبارک است یوم اللّه است و نزدیک است بیوم ظهور حضرت اعلی" و همچنین شیخ اجل احسائی کوکب درّیّ صبح هدی در جواب نامهٴ سیّد مرفوع که نیز بظهور موعود بشارت داده و از میقات آن یوم رهیب استفسار نموده چنین نگاشته " ان اطمئنّ بفضل ربّک و لا تیئس بما یعملون لابدّ لهذا الامر من مقرّ و لکلّ نبأ مستقرّ و لا یحسن الجواب بالتّعیین فستعلمنّ نبأه بعد حین و لا تسئلوا عن اشیاء ان تبدّلکم تسوئکم و السّلام .

در ذکر بلایای وارده در آغاز این سنهٴ مقدّسه بر جمال قدم و مظلوم عالم در آن زندان مظلم این کلمات درّیّات از سماء مشیّتش نازل قوله تبارک ذکره "ما را اخذ نمودند و از نیاوران که در آن ایّام مقرّ سلطنت بوده سر برهنه و پای برهنه پیاده با زنجیر بحبس طهران بردند چه که یک ظالمی سواره همراه کلاه از سر برداشت و بسرعت تمام با جمعی از میر غضبان و فراشان ما را بردند و چهار شهر در مکانیکه شبه و مثل نداشت مقرّ معیّن نمودند اما سجن که محل مظلوم و مظلومان بوده فی الحقیقه دخمهٴ تنگ و تاریک از آن افضل بوده و چون وارد حبس شدیم بعد از ورود ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه پلهء سراشیب گذشتیم و به مقرّی که معیّن نموده بودند رسیدیم امّا محلّ تاریک و معاشر قریب صد و پنجاه نفس از سارقین اموال و قاتلین نفوس و قاطعین طرق بوده مع این جمعیّت محلّ منفذ نذاشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام از وصفش عاجز و روائح منتنه اش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی لباس و فراش اللّه یعلم ماورد علینا فی ذاک المقام الانتن الاظلم" و ایضاً میفرماید "در ایّام توقّف در سجن ارض طا اگر چه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود و لکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلای رأس چیزی بر صدر می ریخت بمثابهٴ رودخانهٴ عظیمی که از قلهٴ جبل باذخ رفیعی بر ارض بریزد و بآن جهت از جمیع اعضاء آثار نار ظاهر و در آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصغاء آن احدی قادر نه" و ایضاً میفرماید "چهار شهر در مقدّمهٴ حضرت سلطان بعذابی معذّب که ذکر و شرح آن از قلم و مداد بر نیاید لسان از ذکرش عاجز و قاصر است"

و در مناجاتی از قلم اعلی در ذکر این رزایا و بلایا نازل "لم ادر من ایّ بلائی اشکو الیک اشکو یا الٓهی عن سجنی فی اشهر معلومات او عمّا ورد علیّ فیه من سلاسل الّذی کسرت عنقی من ثقلها او حدید الّذی کان علی رجلی عمّا اکتسبت ایدی الاشقیاء ... او اذکر یا الٓهی حین الّذی اخذونی و اذهبونی من قریة الی مدینة و کان رأسی عریانا و رجلی متحافیا و عنقی مغلولا و یدای مسدودا ثمّ اجتمعوا علیّ العباد و منهم عرفونی و منهم الّذین ما عرفونی و الّذینهم عرفونی فمنهم کانوا قائمون و متحیّرون فی امری فمنهم کانوا ان یشمتوننی و الّذین ما عرفونی رموا کلّهم نحوی ما تیسّر لهم من الحجر و الخشب کانّهم ما شربوا خمر الانصاف و ما شمّوا روائح الائتلاف فو جمالک القدیمة و انوار وجهک البدیعة وردوا علیّ ما استحیی ان اذکره بین یدیک و القلم لن یحرّک علیه و المداد لن یجری به و اللوح لن یحمل و النفوس لن یطیق" و در مناجاتی دیگر میفرماید "گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخر در غلهای محکم بستی و بدنی را که بلباس حریر و دیبا راحت بخشیدی عاقبت بر ذلّت حبس مقرّر داشتی قلّدتنی قضائک قلائد لا تحدّ و طوّقتنی اطواقاً لا تفکّ".

و در تاریخ نبیل اعظم راجع بشدائد این سجن اکبر این عبارات مدوّن و مسطور " چون بانبار رسانیدند در سیاه چالی که در قدیم خزینهٴ حمام بوده جایشان دادند و زنجیر قرا گهر که در سنگینی معروف است بر گردن و بند گران بر پایشان نهادند و تا سه یوم مطلقاً نه اکلی موجود نه شربی و نه سکونی مشهود و نه نومی"

و همچنین در تاریخ خود مینگارد " در ایّام حضور بارها از لسان مبارک شنیده شد که میفرمودند جمیع این نفوسیکه در فتنهٴ سنهء حین بشهادت رسیدند در انبار طهران با من بودند و ما ها دو دسته بودیم که رو بروی یکدیگر پا در خلیلی و گردن در زنجیر بودیم من بآنها ذکری تعلیم نموده بودم که شبها به صوت بلند خوانده میشد یکدسته میگفتند هو حسبی و حسب کلّشیء دستهء دیگر در جواب میگفتند و کفی باللّه حسیبا بهمین منوال در منتهای شوق و اشتعال هر شب تا نیمه های شب صدای ذکر مرتفع بود بحدّی که یک شب شاه در عمارت خود شنیده بود و پرسیده بود که این چه صداست گفته بودند که بابیها هر شب ذکر میکنند و این صدای ذکر آنها است ... و هر روزی میآمدند و اسمی را ذکر مینمودند که صاحب این اسم کیست هر کس که میگفت منم معلوم بود که نوبت شهادت اوست و چون پایش را از خلیلی بیرون میآوردند با من مصافحه میکرد و او را بمقام بقا و افق اعلی بشارت میدادم و خوشنود روانه میکردم و با دیگران هم میگفتم مصافحه میکرد و میرفت و بعد از شهادتش آن میر غضب که با من اظهار محبّت میکرد میآمد و تفصیل حالش را که چه نوع شهیدش کردند و مقام صبر و استقامتش بچه درجه بود ذکر مینمود هر روز بهمین منوال بود".

و امّا آنچه راجع بکیفیّت نزول وحی الٓهی و تجلّی روح اعظم بر قلب الطف اطهر اقدس مظلوم عالم و محبوب امم است این کلمات درّیّات از مخزن قلم اعلی صادر قوله جلّ کبریائه "در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمهٴ علیا اصغا شد انّا ننصرک بک و بقلمک لا تحزن عمّا ورد علیک و لا تخف انّک من الآمنین سوف یبعث اللّه کنوز الارض و هم رجال ینصرونک بک و باسمک الّذی به احیی اللّه افئدة العارفین" در این مقام در سورهٴ هیکل این کلمات عالیات نازل " فلمّا رأیت نفسی علی قطب البلاء سمعت الصّوت الابدع الاحلی من فوق رأسی فلمّا توجّهت شاهدت حوریّة ذکر اسم ربّی معلّقة فی الهواء محاذی الرّأس و رأیت انّها مستبشرة فی نفسها کانّ طراز الرضوان یظهر من وجهها و نضرة الرّحمن تعلن من خدّها و کانت تنطق بین السّموات و الارض بنداء تنجذب منه الافئدة و العقول و تبشّر کلّ الجوارح من ظاهری و باطنی ببشارةٍ استبشرت بها نفسی و استفرحت منها عباد مکرمون و اشارت باصبعها الی رأسی و خاطبت من فی السّموات و الارض تاللّه هذا لمحبوب العالمین و لکن انتم لا تفقهون هذا لجمال اللّه بینکم و سلطانه فیکم ان انتم تعرفون و هذا لسرّ اللّه و کنزه و امر اللّه و عزّه لمن فی ملکوت الامر و الخلق ان انتم تعقلون انّ هذا لهو الّذی یشتاق لقائه من فی جبروت البقاء ثمّ الّذین هم استقرّوا خلف سرادق الابهی و لکن انتم عن جماله معرضون"

و همچنین در ابیاتیکه در آن ایّام از مخزن قلم ابهی صادر نفس مظهر ظهور بتلویحی ابلغ از تصریح اشاره بتجلّی این روح اعظم میفرماید قوله تبارک ذکره

رشح عما از جذبهٴ ما میریزد سرّ وفا از نغمهٴ ما میریزد

از باد صبا مشک ختا گشته پدید این نفحهٴ خوش از جعدهٴ ما میریزد

بحر خفا از موج لقا کرده ظهور وین طرفه عطا از جذبهٴ ها میریزد

نقرهٴ ناقوری جذبهٴ لاهوتی این هر دو ز یک نفحه از جوّ سما میریزد

دور انا هو از چهرهٴ ما کرده ظهور کور هو هو از طفحهٴ ما میریزد

یوم خدا از جلوهٴ ربّ شد کامل این نغز حدیث از غنّهٴ طا میریزد

کوثر حقّ از حقّهٴ دل گشته هویدا وین ساغر شهد از لعل بها میریزد

آهنگ عراقی بین دف نوائی بین کف الهی بین کز مشرق ها میریزد

طفح بهائی بین رشح عمائی بین کاین جمله ز یک نغمه از لحن خدا میریزد

نخلهٴ طوبی بین رنّهٴ ورقا بین غنّهٴ ابها بین کز لمع صفا میریزد

طلعت لاهوتی بین حوری هاهوتی بین جلوهٴ ناسوتی بین کز ساحت ها میریزد

نبیل اعظم شیفته و دلدادهٴ جمال قدم و مدّاح آن محیی رمم در قصیده ئی از قصائد خویش در ذکر تسع چنین سروده

آن نبأ را که کاظم مسعود گشت سائل ز احمد محمود

احمدش گفت کان رخ باهر نبئش بعد حین شود ظاهر

سنهٴ "حین" شد و مه ماهی کرد با عاشقانش همراهی

ماند با عاشقانش از افضال چهار مه در سلاسل و اغلال

تا که حین رفت و بعد حین آمد سنهٴ تسع والهین آمد

تسع موعود را که ربّ بیان کرد وصفش چو آفتاب عیان

گفت آن شاهباز عرشی سیر کاندر او تدرکون کلّ الخیر

شاه ابهی برون شد از زندان جمله آفاق شد چو گل خندان

عطری از طرّه اش پدید آمد کاسمان و زمین جدید آمد

و همچنین در وصف عید نوروز آن سنهٴ مقدّسه این ابیات در آن تاریخ مدوّن و مسطور

"مبارک عید نوروزی که عالم زو جدید آمد

که در وی بر همه امکان بخوشنودی نوید آمد"

"که یاران جام جان نوشید قمیص نور در پوشید

برضوان لقا کوشید که یار ناپدید آمد"

"جمال اللّه ظاهر شد ظهور تسع باهر شد

جهان از شرک طاهر شد که سلطان فرید آمد"

"شهنشاه انام آمد ولی نامش غلام آمد

شب هجران تمام آمد لنا البشری که عید آمد"

"برون شد یوسف از زندان جهان شد همچو گل خندان

مبارک کنز مخفی را ز عرش اللّه کلید آمد"

"زمان پر روح و ریحان شد زمین پر از دل و جان شد

که چشم و قلب وی روشن ز ذی العرش المجید آمد"

"وزید آن نفحهٴ باقی ز باغ وصل خلّاقی

بسر شد لیل نومیدی الا صبح امید آمد"

و همچنین عندلیب گلشن بهاء در قصیده ئی از قصائد خویش در نعت و ثنای جمال ابهی باین نغمه مترنّم

ساقی بده جامی دگر صهبای گل فامی دگر

کاینک دلارامی دگر آمد چه زیبا آمده

از نقطه بعد از نه (٩) سنه با سطوت

و با هیمنه با صد هزاران بیّنه از کشور طا آمده

ذرّات امکان در ندا کز مشرق قدس لقا

نور احد شمس بها با صد تجلّا آمده

عقل نخستین مات او روح القدس مرآت او

و از نفحهٴ آیات او جان در مسیحا آمده

با یک جهان مجد و شرف با عالمی شور و شعف

خود با نبیّین سلف آن فرد یکتا آمده

شمس بقا طالع شده صبح لقا طالع شده

یوم خدا طالع شده ربّ البرایا آمده

وجه لمیع کبریا غیب منیع لا یری

با نغمهء انظر تری بر ارض غبرا آمده

غیب بقا شد جلوه گر سرّ عما شد پرده در

و آن غائب از هر ذی بصر بی پرده پیدا آمده

و همچنین ورقای ایکهٴ وفا بلبل خوش سخن و طوطی شکر شکن در وصف و مدح سنهٴ مقدّس تسع باین نغمهٴ احلی مترنّم

چه گشت میقات تسع بامر حقّ منتهی ز ذلّت امر یافت اله خلق آگهی

چه لجّه آمد بجوش غیرت ربّ البهیّ نشست سلطان امر بعرش شاهنشهی

بدست حقّ بر فکند زوجه ابهی نقاب

گشت زشعشاع وجه کون و مکان بحر نور بزد سرافیل روح بامر حقّ نفخ صور

حشر من فی الوجود بعثر من فی القبور نشّر ما فی الصّحف حصّل ما فی الصّدور

نزل ما فی السّماء برز ما فی التّراب

بعرش شد مستوی من هو یحی العظام بصور اعلی قلم دمید روح القیام

بر آمد از انصعاق قلوب موتی تمام مهلّلاً ناطقاً بحمد ربّ الانام

مسبّحاً ناظراً بمن الیه اناب

ز خرمن جود وی بهر کران خوشه چین گروهی از انبیا قبیلی از مرسلین

بحقّ کمین خادمش فدای روح الامین چو ذرّه در ساحتش شموس حقّ الیقین

دیوک عرشی برش حقیر تر از ذباب

از قلمش منهمر بحر بیان موج موج جنود الهام و وحی در کنفش فوج فوج

اهل حضائض ز وجد پریده بر اوج اوج بسوی او شد دوان منجذبین زوج زوج

ز شوق پر اضطرام ز وجد پر انجذاب

چو سدرهء هیکلش بحبّ شرر بار شد ز جذبهٴ عشق وی جهان پر از نار شد

چو آذرین طلعتش بجلوه نوّار شد ز نو بهار جمال زمانه گلزار شد

فتاد اندر قلوب ز نار عشق التهاب

شد دل هر قطره ئی ز وجد او پرحبور زوجه هر ذرّه‏ئی تافت شموس سرور

لجّهٴ ظلمت بدل گشت بدریای نور شد ز قری و مدن پدید شور و نشور

روان قوم کفور فتاد در پیچ و تاب

مهیمنا مالکا بذات سبحانیت بمظهر اسم ربّ که شد بجان فانیت

بمشرق شمس عهد بغصن قدمانیت بفرع قدس رفیع ببدر نورانیت

که خلق داده نجات ز ظلمت احتجاب

یا اصحاب الوفاء و الرّاکبین فی السّفینة الحمراء ملاحظه نمائید که حلول این سنهٴ مبارکهٴ مقدّسه که فاتحهٴ عهد بهیّ الانوار ثانی نخستین عصر دور اوّل کور مقدّس است و از قلم اعلی و کلک نقطهٴ اولی و یراعهٴ غصن اعظم سدرهٴ منتهی بچنین اوصاف عالیه ئی موصوف و در کتب انبیا و اولیا و رسالهٴ نجم بازع افق هدی و قصائد و مدائح پیروان آئین اعزّ اسنی بچنین نعوتی منعوت با چه مصائب و نوائبی مصادف و مقارن گشته در آغاز این سنهٴ مقدّسه سیل بلا من کلّ الجهات در مهد امر اللّه منهمر و باران محن و رزایا از سحاب قضا نازل و هاطل جامعهٴ جدید التّأسیس در معرض مخاطرات عظیمهٴ گوناگون واقع و طوفان امتحان و افتتان در اشدّ هیجان و نار غضب شاهانه و بغض و عداوت مأمورین دولت از وزراء و وکلاء و علماء سوء و ملّت غافل و جاهل در اشتعال و فوران حلول این سنه در ایّامی واقع که شارع قدیر امر بدیع خود شهید و نجوم درهرههٴ آسمان بیان آفل و فحول اصحاب و بعضی از حروفات بیانیّه و کتّاب وحی و خال اعظم آن سیّد امم مقتول و جمعی دیگر اسیر و مسجون بشهادت مرکز عهد الٓهی در یک سنه از آن سنوات پر محنت و انقلاب " بیش از چهار هزار نفر کشته و جمّ غفیری اطفال و نساء بیکس و پرستار پریشان و سر گشته پامال شده تلف گشتند" شخص معلوم که خود را پیشوای حزب مظلوم می پنداشت مرعوب و بلباس تبدیل در جبال مازندران متواری بعضی از رؤسای بیان خود سرانه و جسورانه مدّعی مقامات عالیه و برخی در کمال ذلّت و مسکنت سرگردان و پریشان و نالان در عراق عرب بفرمودهٴ جمال قدم "حرفی از امر اللّه مذکور نبود و قلبی مشهود نه" و در مهد آئین نازنین بشهادت نبیل اعظم که در آن ایّام در آن دیار سیّار بود سراج امر خاموش و ارباب دواعی در جوش و خروش ارکان منهدم نور الٓهی مقنوع و مغطوء و جمال لا یزالی یگانه ناصر امر ربّ قدیر در اعماق آن زندان اظلم اسیر غلّ و زنجیر مطابقاً لما اخبر به الرّسول و رواه الشّیخ ابن العربیّ فی کتابه "و یقتلون کلّهم الّا واحد منهم ینزل فی مرج عکّاء فی المأدبة الالٓهیة الّتی جعلها اللّه مائدة للسّباع و الطّیور و الهوام" و این شهادت را نیز ناظر امور خارجهٴ ایران میرزا سعید خان در نامهٴ خویش خطاب بسفیر دولت علیّه در مدینهء کبیره داده و این عبارت را نگاشته و اطمینان داده "بعد از اهتمامات بلیغه که در قلع و قمع فرقهء ضالّهء خبیثهٴ بابیّه از جانب دولت علیّه بآن تفصیل که آنجناب میدانید بتقدیم رسید الحمدللّه ریشهٴ آنها بتوجّهات خاطر همایون سرکار اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه جمجاه دین پناه روحنا فداه کنده شد". حال ملاحظه نمائید با وجود این لطمات شدیده که بر هیکل امر الٓهی در سنین اوّلیّه وارد گشته و این زوبعهء عظمی که قندیل الٓهی را بمجرّد اشتعالش احاطه نموده و این زلزلهء کبری که ارکان آئین جدید التّأسیس الٓهی را در بدو نشأه‏اش مرتعش ساخته بمرور ایّام و در طی سنین و اعوام چه آثاری از جلوهٴ هیکل زیبای امر الٓهی و چه تأثیراتی از التهاب و اشتعال این نار موقدهٴ صمدانی و چه نتایجی از ارتفاع این بنیان الٓهی در آفاق و انفس ظاهر و پدیدار گشته و حال در این دو سنهٴ اخیره که پایان این قرن پر انوار سرمدیّ الآثار است ملاحظه نمائید که جند اللّه و راکبین سفینة اللّه و ثابتین بر عهد اللّه و مروّجین شریعت اللّه و ناشرین نفحات اللّه و حامیان دین اللّه و مؤسّسین نظم بهاء اللّه روحی لقیامهم الفداء چه قیامی نموده اند و بچه فتح و ظفری در اقطار جهان نائل گشته اند قیام و ظفری که فی الحقیقه مسک الختام این قرن جلیل است یاران جمال ابهی حبّاً و وفاءً لمولاهم و خالصاً لوجهه و منقطعاً عن دونه و ابرازاً لقدرته و اشتهاراً لدینه بیاد این بلایا و رزایا که در نخستین عصر دور اوّل کور مقدّس برمؤسّسین آئین یزدان باریده و بپاس مواهب الٓهیّه و تأییدات متتابعه و بشکرانهء حفظ و صیانت الٓهیّه که از بدو ظهور امر الٓهی الی یومنا هذا در قطعات خمسهء عالم با وجود انقلابات و اختلافات متزایده و محاربات متتابعه بین ملل و امم نصیب بندگان اسم اعظم گشته و تمهیداً لجهادهم الکبیر الاکبر قیامی عاشقانه نموده و سمند همّت را در میادین خدمت چنان جولانی داده که ندای وا طوبی وا طوبی از سکّان رفیق ابهی مرتفع و هتاف احسنتم احسنتم یا اهل البهاء و اصحاب الوفاء از ذروهٴ علیا متتابع و متواصل فاتحهٴ این قرن اعزّ اتمّ و میلاد این سرّ منمنم مصادف با بلاء ادهم و ظلمات مُدلهمّ و ختامش مقارن با فتح و ظفر اعظم در سراسر عالم چنانچه در بدایت این اوراق ذکر شد یاران الهی بدلالت و اعانت امنای امر اللّه و بر وفق نقشه های مختلفهٴ متعدّده که در مهد امر اللّه و در ایالات متّحدهٴ امریک و جزائر بریطانیا و جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٴ امریکا و اقلیم کندا و هندوستان و برما و پاکستان و عراق و استرالیا و آلمان و مصر و سودان طرح گردیده عدّهٴ ممالک و بلدان که به نیروی اسم اعظم مسخّر گشته به یکصد و بیست و هشت (١٢٨) رساندند و تأیید الٓهی بحدّی شامل و قوّهٴ امر بدرجه ئی نافذ گشت که در مدّت یک سنه هیجده (١٨) مملکت در ظلّ امر اللّه محشور گشت به تأییدات الٓهیّه و اعانهء مهاجرین و مهاجرات ممالک غربیّه و شرقیّه و اقطار جنوبیّه و شمالیّه مجموع مراکز امریّه در جزیرة العرب از ده (١٠) و در قطر مصر و سودان از سی (٣٠) و ممالک اروپ که به همّت یاران امریک در این سنین اخیره در ظلّ امر اللّه در آمده از چهل (٤٠) و در جزائر بریطانیا از پنجاه ٥٠) و در قارّهٴ استرالیا و جزیرهٴ نیوزیلند و تسمانیا از شصت (٦٠) و در مملکت نمسه و آلمان از هفتاد (٧٠) و در اقلیم کندا از نود (٩٠) و در خطّهٴ هندوستان و برما و پاکستان نیز از نود (٩٠) و در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٴ امریکا از صد (١٠٠) و در مهد امر اللّه از ششصد (٦٠٠) و در ایالات متّحدهٴ امریک از هزار و دویست (١٢٠٠) تجاوز نموده و عدّهٴ مراکز امریّه در کرهٴ ارض من اقصاها الی اقصاها به دو هزار و پانصد (٢٥٠٠) بالغ گشت و مستظلّین در ظلّ شجرهٴ طوبی و مقتبسین از نور هدی و متمسّکین به عروهء وثقی در این ممالک و بلدان بعضی از جنس ابیض و بعضی از جنس اسود و برخی از جنس اصفر و قلیلی از جنس احمر و اسمر کلّ در ظلّ سرا پردهٴ یگانگی مجتمع و از یک مصدر مستفیض و به حبل المتین یک نظم متمسّک و اصول و احکام یک شرع را مروّج و از فیوضات یک آئین مستنیر و مستمدّ نشریّات امریّه که در مدّت صد سال (١٠٠) به چهل و یک (٤١) لغت از لغات شرقیّه و غربیّه ترجمه و طبع و منتشر گشته بود در این سنین تسعهء اخیره بر اثر همم عالیهٴ متزایدهٴ ناصران امر حضرت ربّ البریّه به سی و دو (٣٢) لغت دیگر ترجمه و طبع و منتشر گشت و به پانزده (١٥) لغت دیگر ترجمهء این آثار بهیّه مباشرت گردید نطاق امر اللّه بحدّی وسعت یافت که در ختام این قرن نمایندگان از سی (٣٠) نژاد از نژاد های مختلفهٴ عالم و از بیست و سه (٢٣) قبیله از قبائل متعدّدهٴ منتشره در قارّهٴ افریقیا در ظلّ سرادق جمال ابهی وارد و از انوار ساطعهٴ امر مقدّسش مستمدّ گشتند.

در ارض اقدس لانه و آشیانهء انبیا قلب العالم و قبلة الامم مرکز عظیم الشّأن روحانی و اداری پیروان جمال قدم و اسم اعظم در سراسر عالم مقدّمات تشیید قبّهٴ رفیعهٴ بدیعهٴ ذهبیّهٴ مقام بهیّ الانوار رفیع البناء سرمدیّ الآثار مبشّر موعود امم و تأسیس مرکز اداری جهانی امر محیی رمم فراهم ایادی امر اللّه که بر حسب وصایای محکمهٴ متقنهٴ مرکز عهد جمال قدم بصیانت امر اللّه و ترویج کلمة اللّه که اعظم وظائف آن عصبهٴ نورانیّه است مأمور و مکلّفند در قارّات خمسه و از بین یاران فرقانی و مسیحی و کلیمی بعدد واحد معیّن و چهار نفر از این نفوس مشخّصهٴ معیّنه در ارض اقدس متعهّد خدمات خاصّه و بر ترویج و استحکام مشروعات مهمّهٴ جدید التّأسیس این ارض قائم هیئت بین المللی بهائی که مقدّمهٴ تأسیس محکمهٴ علیا در ارض میعاد و منتهی بانتخاب اعظم هیئت تشریعیّهء عالم بهائی و تأسیس دیوان عدل الٓهی خواهد گشت تکمیل و وظائف اعضایش و هیئت عامله اش کاملاً تعیین گردید

باب زیارت مقامات مقدّسه که در مدّت ده سال بر اثر انقلابات خارجه و داخله مسدود بود بر وجه یاران شرق و غرب مفتوح گردید و بر جلوه و عظمت این مقامات در انظار اولیای امور در مرکز بیفزود .

مقام ربّ اعلی و نقطهٴ اولی روحی لمظلومیّته الفداء که جمال قدم و مظلوم عالم در اواخر ایّام اقامتش در سجن اعظم تأسیس فرموده و قدس الاقداسش را غصن اعظمش در بحبوحهٴ انقلابات ناقضین و مفتّشین بید قدرتش تشیید فرموده و وسائل انتقال عرش مطهّر را از ارض طا بارض میعاد فراهم ساخته و در نوروز سنهٴ ١٩٠٩ از میلاد حضرت روح بدست مبارکش رمس مطهّر را در تابوت مرمر در قلب آن بنیان مقدّس استقرار داده و پس از انقضای چهل ٤٠ سال در نوروز ١٩٤٩ ببنای رواق آن مقام مقدّس بر وفق میل و ارادهٴ غصن اعظم بها مباشرت گردیده و دو سال بعد از آن نیز مقارن عید سعید نوروز در سنهٴ ١٩٥١ مقدّمات نصب ارکان هشت گانهء قبّهٴ رفیعه اش در داخل آن مقام فراهم گشته در این دو سنهٴ اخیره به تأییدات ملکوت ابهی بکمال سرعت وضع اساس این قبّه در خارج آن مقام انجام و اتمام یافت و طبقهٴ ثانیه اش مرتفع شد و مناره های بدیعهٴ رفیعهٴ هشت گانهٴ آن مقام منیع که تاج ثانی آن بنای افخم است منصوب گشت و متعاقب آن طبقهٴ ثالث دارای نوافذ متعدّده مطابق عدد حروفات بیانیّه که ارکان شریعت بدیعه و وسائط فیض نقطهٴ ازلیّه بوده بنا گردید و احجار اوّلیّهٴ قبّهٴ ذهبیّه که تاج ثالث آن مقام است منصوب گشت و دوازده هزار ( ١٢٠٠٠) قطعه از قطعه های مذهّب جهت نصب آن قبّهء رفیعه که مساحتش به دویست و پنجاه متر مربّع بالغ در مدینهٴ اوترخنا در کشور هلند سفارش گردید و امید وطید چنان است که در ایّام رضوان که جشن اعظم این سنهٴ مقدّسه است وسائل نصب آن فراهم گردد و به تأییدات متتابعهٴ جمال رحمن در پایان این سنه این مشروع عظیم و خطیر اتمام و انجام پذیرد . و نیز در ارض اقدس در این دو سنهٴ اخیره نقشهء بدیعهٴ اوّلین معبد جبل کرمل که در جوار این مقام مقدّس من بعد تأسیس خواهد گشت ترسیم و حاضر و مهیّا گشت و عنقریب بامریک ارسال خواهد شد تا بنظر نفوس مجتمعهٴ در مؤتمر ثانی تاریخی مجلل این سنهٴ مقدّسه برسد و بر سرور و ابتهاج محتفلین و مشترکین در آن جشن اکبر بیفزاید . اراضی مجاورهٴ موقوفهٴ مقام مقدّس نقطهٴ اولی در نتیجهٴ ابتیاع بیست و یک (٢١) قطعه که متعلق بنفوس مغرضه از معاندین بوده و مساحتش متجاوز از بیست و پنجهزار متر مربع اتّساعی سریع یافت و بوسائل غیبیّه مقدّمات ابتیاع قطعاتی دیگر که مشرّف بر آن مقام است و مدّت سی سال است که یاران الٓهی طالب و شائق تملّک آن بوده و مساحتش متجاوز از بیست هزار (٢٠٠٠٠) متر مربع است فراهم گشت . و ایضاً در جوار قبلهٴ اهل بها محطّ رحال ملأ اعلی اجلالاً و تکریماً لهذا المقام الکریم و المقرّ الاقدس الاطهر الاعزّ العظیم در این سنهٴ مقدّسه که صدمین سال بعثت آن موعود امم و محیی رمم است پس از خذلان ناقضین حسود و جحود و در نتیجهٴ مغلوبیّت و هزیمت دشمنان دیرین امر حضرت ربّ العالمین که مدّت شصت سال با ناقضین پر کین عهد جمال مبین مرتبط و در طوفان مفتّشین مُعین و مؤیّد و مهماندار اعدای امر اللّه و در سنین عدیده بتوهین و تحقیر آن مقام مقدّس مشغول و تعدّی بر اراضی مجاورهٴ آن مقام اطهر نموده اراضی وسیعه وقف آن روضهٴ مقدّسه گشت و مساحت موقوفات امریّه در مرج عکّا که منحصر به چهار هزار (٤٠٠٠) متر مربع بود به یکصد و پنجاه و نه هزار (١٥٩٠٠٠) متر مربع بالغ گشت و در قلب این اراضی موقوفه پس از انقضای شصت سال از صعود جمال احدیّه در قطعه ئی که مساحتش سیزده هزار (١٣٠٠٠) متر مربع بالغ و در شمال غرب آن مقرّ مطهّر واقع به تأییدات من اللّه حرم اقدس بنحو اکمل و اجمل تأسیس گشت و شبهه ئی نبوده و نیست که این بقعهٴ نوراء و حدیقهٴ غلباء و روضهٴ غنّاء که مقدّمهٴ تشیید ضریح اقدس اطهر امنع ارفع ابهی در سنین آتیه است در نتیجهء تسطیح و تنسیق و تزئین و امتداد شوارع تسعه و نصب ابواب خمسه و مصابیح مضیئهء متلئلئه قطعه ئی از فردوس اعظم و زیارتگاه ملل و امم و نزهتگاه عموم از اجناس و طبقات و مذاهب مختلفه در این دیار و اقالیم مجاوره گردد.

فئهء ضالّهٴ ناقضین و ناکصین پر کین بر اثر قضیّهٴ غصب مفتاح روضهٴ مبارکه و تخلیهٴ قصر مشید جمال احدیّه و در نتیجهء ابتیاع اراضی وسیعه و تأسیس موقوفات امریّه در جوار مقامات مقدّسه و اسقاط حقوقشان در محکمهٴ مدنیّه و انقراض و انعدام رؤسا و زعماء و اعوان و متعلقات و علی رأسهم زعیم ثانی و خلیفهٴ ناقض اکبر و ابن سیّد متمرّد بمصیبات و بلیّات و نکبات گوناگون در این سنین اخیره معذّب و از ظهور و بروز آثار غضب و سخط الٓهی حیران و پریشان .

در قارّهٴ امریک مشروع بنای معبد رفیع البناء ابدیّ الآثار پیروان جمال مختار امّ المعابد غرب و رمز مدنیّت الٓهیّه که حجر زاویه اش را ید قدرت غصن اعظم ابهی نهاده و مصارفش از دو میلیون و نیم دولار متجاوز به همّت یاران غیور و علمداران حزب مظلوم در آن خطّهٴ پر نور پس از پنجاه سال انتظار انجام یافت و اتمام تزئینات داخله اش و تنسیق حدائق نه گانه اش بر شکوه و جلال و ابهّت آن معبد افخم بیفزود و مقدّمات افتتاح رسمی آن معبد جلیل که آیتی از آیات جشن مئوی در آن سامان است باحسنها و اکملها فراهم گردید

قیمت موقوفات امریّه در آن خطّهٴ مبارکه که بفرمودهٴ مرکز عهد الٓهی " میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار" از سه میلیون دولار و تعداد مراکز امریّه در کافّهٴ ایالات متّحده از هزار و دویست و عدّهٴ ایالات که معترف به رسمیّت و مستعدّ تسجیل عقد نامهٴ بهائی گشته از بیست متجاوز در شمال آن قارّهء مبارکه در اقلیم کندا که به فرمودهٴ حضرت عبد البهاء مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بینهایت جلیل امر الٓهی یوماً فیوماً در ارتفاع و یاران جانفشان به استحکام مؤسّسات امریّه مشغول و بابتیاع بنائی بمبلغ چهل و نه هزار دولار (٤٩٠٠٠) جهت تأسیس حظیرة القدس و محفظهٴ آثار ملّی بهائی در مدینهٴ تورنتو که از مدن مهمّهٴ آن اقلیم محسوب است مؤیّد و مفتخر .

نار موقده در اثر تأکیدات مرکز میثاق جمال قدم در جزیرهٴ فسیحهٴ نائیهء گرین لند مشتعل و سراج امر به همّت مهاجرین فی سبیل اللّه در جزیرهٴ نیو فاوندلند روشن و علم الٓهی در قرب مدار قطب شمال موّاج و قلوب از سطوع انوار تأیید در آن اقطار شمالیّه قرین سرور و فرح و ابتهاج و همچنین در جمهوریّات مرکزی و جنوبی امریک به همّت یاران و اماء الرّحمن جدید الاقبال در مراکز مختلفهٴ متزایدهٴ آن اقلیم دو رکن رکین دیوان عدل الٓهی منصوب و اساس نظم بدیع در آن دیار بدرجه ئی مستحکم که در عواصم اکثر این جمهوریّات هیئت منتخبه در جامعهء بهائی رسمیّت یافته و محافل روحانیّه در دوائر دولتی مسجّل و مساحت کافّهٴ اراضی موقوفه در آن صفحات که یکی از آن اخیراً به کربلا و دیگری به رضوان بین النّهرین موسوم گشته از چهار صد و پنجاه هزار متر مربّع تجاوز نموده. در قارّهٴ پر شور و آشوب اروپ به تأییدات حضرت ربّ البریّه و به همّت مؤسّسین ارکان مدنیّت الٓهیّه و واضعان نقشهٴ ثانی هفت ساله دو مؤتمر مجلّل بین المللی بهائی یکی در عاصمهء مملکت لوکسمبورگ و دیگری در اقلیم هلند منعقد و در نتیجهٴ مذاکرات و مشاورات در ترویج امر خطیر تبلیغ و اتّساع دائرهٴ نشریّات امریّه روابط روحانیّه بین مراکز جدید التّأسیس در ده مملکت از ممالک مستقلّه که در سنین سبعهٴ اخیره در ظلّ امر الٓهی مستظلّ گشته ایجاد گردید و اساس نظم بدیع مستحکم گشت و رونق مؤسّسات بدیعه ازدیاد یافت.

در مدینهء مدرید اوّلین مؤتمر بهائی مرکّب از نمایندگان پیروان جمال اقدس ابهی که در دو مملکت پرتقال و اسپانیا بترویج امر اعزّ اسنی مألوف و مشغولند منعقد و در مدینهٴ بروکسل یاران جمال رحمن که در اقلیم ثلاثهٴ هلند و لوکسمبورگ و بلجیک ساکن و مقیمند بتشکیل نخستین مؤتمر بهائی مؤیّد و در عاصمهٴ ایطالیا مرکز حبر اعظم مروّجان و حامیان امر جمال قدم بتأسیس اوّلین مؤتمر بهائی مرکّب از نمایندگان مراکز امریّه در آن اقلیم موفّق و در مملکت سویس در قلب آن قارّهٴ پر محنت و بلا طلیعهء جند هدی و متمسّکین به عروهء وثقی بانعقاد مؤتمر ثالث و رابع تابعان امر بها یکی در عاصمهٴ آن مملکت و دیگری در مدینهٴ بازل مفتخر .

و اخیراً یاران عزیز در دو کشور سویس و ایطالیا بکمال اتحاد و اتفاق بعزمی راسخ و همّتی بلیغ بتهیّهٴ مقدّمات اوّلین انجمن شور روحانی در مدینهٴ فلورانس و تشکیل اوّلین محفل مرکزی روحانی و نصب رکن ثانی عشر بیت عدل اعظم الٓهی در ایّام رضوان در این سنهٴ مقدّسه مشغول و مألوف .

در قلب قارّهء افریک نار موقده مشتعل و نمایندگان قبائل و عشایر بافق اعلی متوجّه و بحبل المتین آئین نازنینش متمسّک در بیست و پنج (٢٥) اقلیم از اقالیم تابعه در آن خطّهٴ وسیعه علم هدی مرتفع و عدّهٴ مؤمنین و مؤمنات که در یک سنه اقبال بامر ربّ متعال نموده و بعضی اصلاً مسیحی و بعضی فرقانی و بعضی وثنی از دویست و پنجاه (٢٥٠) متجاوز و عدّهٴ لغات متداولهٴ در آن قارّه که آثار امریّه بآن ترجمه و طبع گشته به دوازده بالغ و در مدینهٴ کامپالا عاصمهٴ اقلیم یوگندا و در مدینهٴ دارالسّلام در اقلیم تنگانیکا و در مراکز اخری مهاجرین فی سبیل اللّه بوضع اساس نظم بدیع جهان آرای جمال ابهی و تشکیل اوّلین محفل روحانی موفّق و مفتخر و در عاصمهٴ اقلیم یوگندا به همّت یاران جانفشان بنائی جهت تأسیس حظیرة القدس بمبلغ هفده هزار دولار (١٧٠٠٠) ابتیاع گشته و متجاوز از ده مرکز در این دو اقلیم و اقلیم لیبیا و کینیا و لیبریا و اقالیم دیگر که در سواحل شمالیّه و غربیّه و شرقیّهء آن قارّه واقع مهیّا و مستعدّ تشکیل محفل روحانی در ایّام سعید رضوانند و محافل مرکزی در جزائر بریطانیا و قارّهٴ امریکا و ایران و هندوستان و برما و پاکستان و مصر و سودان که در این مضمار مجاهد و مساعد یکدیگرند بتمام قوی ساعی که نار موقده یوماً فیوماً مشتعل تر گردد و نعرهٴ قبائل از دور و نزدیک بلند شود و مصداق یدخلون فی دین اللّه افواجاً در ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه و جزائر مجاورهٴ آن قارّهء وسیعهء مستعدّه ظاهر و نمایان گردد

و همچنین در دو قارّهٴ آسیا و استرالیا جنود مجنّدهٴ امر بهاء بفتوحات و انتصارات عظیمه در این دو سنهء اخیره مفتخر و نائل بر وفق نقشهٴ جدیده یاران جانفشان هندوستان و برما و پاکستان پرچم امر الٓهی در جزیرهٴ سیلان موّاج و در عواصم اقالیم مجاوره به همّت مهاجرین و مهاجرات مراکز امریّه در مجمع الجزائر ایندونیزیا و دو اقلیم سَروک و سیام و شبه جزیره ملیا و اقالیم تابعهٴ نپال و هند و چین بعضی در شرف تأسیس و بعضی در تزاید اراضی وسیعه جهت تقویت و توسعهء مدرسهٴ جدید التّأسیس پنجگانی که مساحتش از صد هزار (١٠٠٠٠٠) متر مربع متجاوز ابتیاع گردید و محفل روحانی جدید التّأسیس در مدینهٴ معروفهٴ سینغاپور رسماً تسجیل گشت.

و به همّت یاران قارّهٴ استرالیا انوار ساطعهٴ این امر بر جزائر بعیدهء کَلِه‏دُنیا در جنوب محیط اعظم پرتو افکند و مساحت اراضی موقوفه در آن قارّه و جزیره مجاورهٴ نیوزیلند از یکصد و پنجاه (١٥٠٠٠٠) هزار متر مربع تجاوز نمود

در مملکت ترکیه پس از مدّتی رکود در جریان امور امریّه محفل روحانی در عاصمهٴ آن مملکت و نقاط اخری تأسیس گشت و در مدینهء کبیره قطعاتی از ارض متبرّکهء مشرّفه بقدوم مولی الانام که قیمتش از دوازده هزار دولار (١٢٠٠٠) متجاوز ابتیاع گردید و مقدّمات تملّک اراضی دیگر که موطئ اقدام مبارک در ارض سرّ بوده فراهم گشت. و نیز اخیراً یمن بعنایت حضرت ذوالمنن و همّت هموطنان اسم اعظم و دو جزیرهٴ فرموزه و کره بواسطهٴ یاران الٓهی در چین و امریک در ظلّ امر الٓهی وارد و از اشراق و لمعان نور هدی مستفیض و مستنیر گشت.

یا معشر المحبّین این بود شمّه ئی از انتشار سریع محیّر العقول انوار این مصباح که در مشکوة ارض طا صد سال قبل در بحبوحهٴ طوفان بلا بر افروخت و در زوراء از خلف حجبات خارج گشت و در بلّور ارض سرّ متلأ لأ و مشتعل گردید و از افق حصن عکّا و قبلهٴ اهل ابها سطوع بر آفاق غربیّه نمود و در نتیجهء استقرار نظم بدیع الٓهی شعشعات انوارش پس از انقضای یک قرن از مرکز جهانی عالم بهائی بر کرهٴ ارض از اقصی شمال باقصی جنوب عالم و از شرق اقصی بغرب اقصی پرتو افکند.

اگر اندکی تأمّل و تفرّس نمائیم ملاحظه میگردد که این آثار که در اواخر این قرن پر انوار ظاهر و پدیدار گشته کلّ فی الحقیقه مقدّمه ئی بوده جهت انعقاد کنفرانسهای تاریخی چهار گانهء بین القارّات که اهل بها در پایان این قرن بپاس مواهب و فیوضات صد سالهٴ امر جمال ابهی و اجلالاً و تکریماً لامره و اثباتاً لقدرته در این سال فرخنده فال که جشن اکبر اهل بهاست در چهار قارّه از قارّات عالم منعقد مینمایند و این انجمنهای اربعه که در تاریخ امر اللّه بی سابقه است هر یک مقدّمهٴ جهاد کبیر اکبر است جهادی که فارسان جیش عرمرم بها در مدّت ده سال به تأیید من الملأ الاعلی و به معاونت ایادی امر اللّه و ناشرین نفحات اللّه و حامیان شریعت اللّه در جمیع اقطار و اشطار در آن مشارکت و معاضدت خواهند نمود و این جهاد جهانی روحانی نیز بنفسه مقدّمهٴ تأسیس و استحکام نظم بدیع الٓهی و اقامهٴ ارکان دیوان عدل الٓهی در جمیع ممالک و بلدان عالم است که انشاء اللّه تعالی عموم من فی البهاء در عهود آتیهء عصر تکوین و در طی قرن ثانی بهائی بآن کاملاً موفّق و مفتخر خواهند گشت

مؤتمر اوّل به تأیید من اللّه و توفیق من لدنه در قلب قارّهٴ افریک در اواسط شهر شُباط در این سنهٴ مقدّسه در مدینهء کمپالا تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان بریطانیا منعقد گردید و نمایندگان محافل مرکزی ایالات متّحده و ایران و بریطانیا و مصر و هندوستان رسماً شرکت نمودند و جمعی از ایادی امر اللّه و بیش از سی نفر از مهاجرین و مهاجرات و نمایندگان از نوزده مملکت و سی و دو نژاد و متجاوز از دویست و بیست نفر از یاران و اماء الرّحمن در آن انجمن مجتمع و مشترکین اکثر از یاران جدید الاقبال از جنس اسود و حضّار کلّ از زیارت شمائل مبارک نقطهٴ اولی و تلاوت آیات کتاب قیّوم الاسماء و مشاهدهٴ صور متحرّکهٴ مقامات مقدّسهٴ علیا در ارض اقدس مستبشر و مذاکرات و مشاورات کلّ حصر در نشر نفحات اللّه و رفع لواء دین اللّه در اقالیم باقیه و جزائر مجاورهٴ واقعه در شرق و غرب آن قارّهٴ وسیعه

مؤتمر ثانی انعقادش در قارّهٴ امریک در جوار امّ المعابد غرب در ایّام رضوان تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده مجریان فرمان تبلیغی مرکز عهد و پیمان حضرت یزدان و مرکّب اوّلاً از نمایندگان آن محفل مجلل و محفل مرکزی بهائیان در اقلیم کندا که در تنفیذ آن فرمان شریک و سهیمند و همچنین نمایندگان دو محفل مرکزی بهائیان امریکای مرکزی و جنوبی که معین و مساعد در اجرای آن فرمانند و ثانیاً از نمایندگان یاران و اماء الرّحمن در هر یک از ایالات متّحده و ولایات اقلیم کندا و جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٴ امریکا و هدفش مشاوره در تهیّهٴ وسائل جهت تأسیس امر اللّه در اقالیم باقیه و جزائر مجاوره در دو محیط اطلس و اعظم

مؤتمر ثالث انعقادش در ایّام تابستان در قارّه اروپ در عاصمهٴ اسوج تحت اشراف لجنهٴ تبلیغی قارّهٴ اروپ که از لجنه های ملّی محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده محسوب است و مرکّب اوّلاً از نمایندگان محافل مرکزی بهائیان در ایالات متّحده و جزائر بریطانیا و آلمان و ثانیا از نمایندگان ممالک اسوج و نروج و بلجیک و هولند و لکسمبورگ و سویس و ایطالیا و پرتقال و اسپانیا و انگلستان و ویلز و اسکوتلند و جزیرهٴ ایرلند و ممالک آلمان و فرانسه و فینلند و نمسه و هدفش مذاکره در ایجاد وسائل جهت تأسیس امر الٓهی در ممالک باقیهء متعلّقهٴ آن قارّه و جزائر مجاوره در بحر متوسّط و اقیانوس اطلس و بحر شمال مؤتمر رابع انعقادش در فصل خریف در قارّهٴ آسیا در عاصمهٴ هندوستان تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان هندوستان و برما و پاکستان و مرکّب اوّلاً از نمایندگان محافل مرکزی بهائیان ایران و هندوستان و برما و پاکستان و عراق و استرالیا و ایالات متّحده و کندا و جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٴ امریکا و ثانیاً از نمایندگان بهائیان در ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه در قارّهٴ آسیا و قارّهٴ امریکا و قارّهٴ استرالیا و جزیرهٴ نیوزیلند و تسمانیا و هدفش تمهید وسائل جهت رفع لواء امر اللّه در ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه در قارّهٴ آسیا و جزائر متعدّدهٴ واقعه در اوقیانوس هند و محیط اعظم یا احبّاء البهاء و مظاهر قدرته بین خلقه انعقاد این انجمنهای اربعه چنانچه از قبل ذکر شد تمهیدات اوّلیّه جهت افتتاح جهاد کبیر اکبر است که بمنظور اجرای وصایای مرکز عهد اللّه و تنفیذ فرمان تبلیغی مبیّن آیات اللّه مستظلّین در ظلّ شریعت اللّه کلّ کثلّةٍ واحده در اواخر عقد اوّل و عقد ثانی در این قرن کور مقدّس قیام بر آن خواهند نمود آغاز این جهاد جهانی روحانی مقارن با جشن صدمین سال دعوت خفیّ جمال قدم در سجن اکبر مظلم و پایانش توأم با عید مئوی دعوت جهری آن محبوب عالم و موعود امم در رضوان اعظم امتدادش ده سال است و نطاقش اقطار و اشطار در سراسر جهان مصدر و منبع اصلی و محرّک حقیقی اش ارادهٴ غالبهٴ نافذهٴ جمال قدم و فیوضات لاریبیّهء مبشّر اسم اعظم که از عالم بالا بر جند هدی ناظر و حامی و ملهم و مؤیّد گروه مجاهدین و مجاهدات در میادین جهانند سالار اعظمش غصن اعظم بهاء که از ملکوت ابهی دلیل و هادی و ناصر جنود مجنّدهء پیمان است قُوّادش امنای محافل مرکزی بهائیان در قارّات خمسه که مروّجان دین اللّهند و حامیان و ناصران شریعت اللّه اسباب و وسائل فعّاله که کافل و ضامن موفّقیّت مشترکین در این جهاد خطیر است مؤسّسات متینهٴ نظم بدیع الهی که مدّت سی سال است یاران الٓهی و اماء الرّحمن بر وفق احکام شارع قدیر و وصایای غصن بی نظیرش به ایجاد و انتظام و استحکام آن پرداخته مقدّماتش نقشه های متعدّده که در این سنین اخیره در ممالک مختلفه محافل روحانی مرکزی در جامعهء بهائی هر یک مستقلّاً بطرح و تنفیذ آن موفّق و نائل گشته و در نتیجه لیاقت و استعداد لازم جهت اقدام و اشتراک در این جهاد عظیم و جسیم اکتساب نموده

مقصد اصلیش در مقام اوّل توسعه و تقویت مؤسّسات امریّه در مرکز جهانی عالم بهائی در ارض اقدس و در مقام ثانی ایجاد وسائل فعّاله جهت تقویت جامعهٴ پیروان امر الٓهی در دوازده مملکت از ممالک شرقیّه و غربیّه که مراکز اداری جهت تنفیذ نقشه های تبلیغی ملّی خواهند بود

و در مقام ثالث استحکام اساس امر در یکصد و هیجده (١١٨) مملکت از ممالک مستظلّه در ظلّ امر الٓهی

و در مقام رابع فتح ممالک و اقالیم تابعه و جزائر مهمّه که عددش به یکصد و سی و یک (١٣١) بالغ و تا بحال در ظلّ امر اللّه وارد نگشته

اهدافش که در پیام عمومی این عبد از قبل تصریح و تعیین گشته بس خطیر و عظیم و جلیل است

هدف اوّل اتّخاذ تمهیدات اوّلیّه جهت تشیید مقام اعزّ اطهر اقدس افخم جمال قدم و اسم اعظم در قلب حرم اقدس در ارض میعاد در مرج عکّا شمال مدینهٴ منوّرهٴ بیضاء

هدف دوم مضاعفهٴ عدد اقالیم که در ظلّ امر الٓهی وارد گشته که مستلزم ارتفاع علم دین اللّه در اقالیم مهمّهٴ باقیهٴ عالم است و شامل جمیع اقالیم مذکوره در الواح مرکز میثاق است که تا بحال در ظلّ لواء معقود وارد نگشته مجموع این اقالیم به یکصد و سی و یک (١٣١) بالغ و شامل چهل و یک (٤١) اقلیم در قارّهٴ آسیا و سی و سه (٣٣) اقلیم در قارّهٴ افریقیا و سی (٣٠) اقلیم در قارّهٴ اروپا و بیست و هفت (٢٧) اقلیم در قارّهٴ امریکا و از این اقالیم فتح بیست و نه (٢٩) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده محوّل گشته که یازده (١١) اقلیم از آن در قارّهء افریقیا وهشت (٨) اقلیم در قارّهٴ آسیا و شش (٦) اقلیم در قارّهٴ اروپ و باقی در قارّهٴ امریک واقع و فتح شانزده (١٦) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان هند و برما و پاکستان محوّل که یازده (١١) اقلیم از آن در قارّهٴ آسیا و باقی در قارّهٴ افریقیا واقع و فتح سیزده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایران محوّل که هفت اقلیم از آن در قارّهٴ آسیا و باقی در قارّهٴ افریقیا واقع و فتح سیزده (١٣) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان کندا محوّل که یازده (١١) اقلیم از آن در قارّهٴ امریک و باقی در قارّهٴ آسیا واقع و فتح یازده (١١) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان بریطانیا محوّل که هفت (٧) اقلیم از آن در قارّهٴ اروپ و باقی در قارّهٴ افریقیا واقع و فتح یازده (١١) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان آلمان و نمسه محوّل که تماماً در قارّهٴ اروپ واقع و فتح نه (٩) اقلیم به محفل مرکزی بهائیان جمهوریّات جنوبی امریکا محوّل که هشت (٨) اقلیم از آن در قارّهٴ امریک و یک اقلیم در قارّهٴ آسیا واقع و فتح هشت (٨) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان در جمهوریّات مرکزی امریکا محوّل که چهار اقلیم از آن در قارّهٴ امریک و باقی در قارّهٴ آسیا واقع و فتح هفت (٧) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان استرالیا و نیوزیلند محوّل که تماماً در قارّهٴ آسیا واقع . و فتح شش (٦) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان مصر و سودان محوّل که تماماً در قارّهٴ افریقیا واقع و فتح شش (٦) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان سویس و ایطالیا محوّل که تماماً در قارّهٴ اروپ واقع

و فتح سه (٣) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان عراق محوّل که دو اقلیم از آن در قارّهٴ آسیا و یک اقلیم در قارّهٴ افریقیا واقع

هدف سوم ازدیاد عدد لغاتی که آثار امریّه بآن ترجمه و طبع شده و یا در دست ترجمه است به بیش از دو برابر و از این لغات جدیده چهل (٤٠) لغت در قارّهٴ آسیا و سی و یک (٣١) لغت در قارّهٴ افریقیا و ده (١٠) لغت در هر یک از دو قارّهٴ اروپ و امریک متداول و از این لغات که اکثرش کتاب مقدّس انجیل بآن ترجمه گردیده سی و یک (٣١) لغت سهم محفل مرکزی بهائیان بریطانیا و بیست (٢٠) لغت سهم محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده و چهل (٤٠) لغت سهم محفل مرکزی بهائیان هند و برما و پاکستان

هدف چهارم استحکام اساس امر اللّه در یکصد و هیجده (١١٨) اقلیم از اقالیم عالم که در ظلّ امر اللّه وارد گشته و شامل بیست و نه (٢٩) اقلیم در قارّهء امریک و چهل و یک (٤١) اقلیم در قارّهٴ آسیا و بیست و دو (٢٢) اقلیم در قارّهٴ اروپ و بیست و چهار (٢٤) اقلیم در قارّهٴ افریقیا و دو (٢) اقلیم در قارّهٴ استرالیاست و از این اقالیم استحکام اساس امر اللّه در بیست و سه (٢٣) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده محوّل گشته که دوازده (١٢) اقلیم از آن در قارّهٴ اروپ و شش (٦) اقلیم در قارّهٴ آسیا و سه اقلیم در قارّهٴ امریکا و باقی در قارّهٴ افریقیا واقع و چهارده (١٤) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان ایران محوّل که دوازده (١٢) اقلیم از آن در قارّهٴ آسیا و باقی در قارّهٴ افریقیا واقع و چهارده (١٤) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما محوّل که یازده (١١) اقلیم از آن در قارّهٴ آسیا و باقی در قارّهٴ افریقیا واقع و سیزده (١٣) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان در جمهوریّات مرکزی امریکا محوّل که جمیعش در آن قارّه واقع و یازده (١١) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان بریطانیا محوّل که نه (٩) اقلیم از آن در قارّهٴ افریقیا و یک اقلیم در قارّهٴ اروپ و یک اقلیم در قارّهٴ آسیا واقع و ده (١٠) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان در جمهوریّات جنوبی امریکا محوّل که تماماً در آن قارّه واقع و هشت (٨) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان مصر و سودان محوّل که تمامش در قارّهٴ افریقیا واقع و هفت (٧) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان آلمان و نمسه محوّل که ایضاً تمامش در قارّهٴ اروپ واقع و هفت (٧) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان عراق محوّل که جمیعش در قارّهٴ آسیا واقع و شش (٦) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان استرالیا و نیوزیلند محوّل که چهار (٤) اقلیم از آن در قارّهٴ آسیا و باقی در قارّهٴ استرالیا واقع و چهار (٤) اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان کندا محوّل که سه (٣) اقلیم از آن در قارّهٴ امریک و یک اقلیم در قارّهٴ اروپ واقع و یک اقلیم بمحفل مرکزی بهائیان سویس و ایطالیا محوّل و آن در قارّهٴ اروپ واقع

هدف پنجم مضاعفهٴ عدد مشارق اذکار در جامعهٴ بهائی که مستلزم اقدام بتشیید دو معبد یکی در قارّهٴ آسیا در مهد امر اللّه در ارض طا که به امّ العالم و افق نور موصوف و منعوت و دیگری در قلب قارّهٴ اروپ در مدینهٴ فرانکفورت که در قلب مملکت آلمان است و از آن کشور پر استعداد انوار امر الٓهی بفرمودهٴ مرکز عهد اللّه ساطع گردد و اقالیم مجاوره را روشن و منوّر گرداند

هدف ششم تعیین محلّ و ابتیاع اراضی جهت تأسیس بنیان افخم مشرق الاذکار جبل کرمل در جوار مرکز روحانی و اداری جهانی بهائیان در ارض اقدس

هدف هفتم تعیین محلّ و ابتیاع اراضی لأجل بنای یازده (١١) معبد که سه عدد آن من بعد به تأیید من اللّه در قارّهٴ امریک یکی در شمال آن قارّه در اقلیم کندا در مدینهء تورونتو و ثانی در عاصمهٴ جمهوریّت پناما و ثالث در جنوب آن قارّه در مدینهٴ سانتیاگو عاصمهٴ جمهوریّت شیلی تأسیس خواهد گشت و سه (٣) عدد دیگر در قارّهٴ افریقیا یکی در قلب آن قارّه در مدینهٴ کمپالا عاصمهٴ اقلیم یوگندا و ثانی در شمال آن قارّه در مدینهٴ قاهره عاصمهء قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و ثالث در مدینهٴ جوهانزبرگ که از مدن مهمّهٴ افریقیای جنوبی محسوب بنا خواهد شد و پنج عدد دیگر که در آینده در قارّهٴ آسیا و قارّهٴ اروپ و قارّهٴ استرالیا تأسیس خواهد گشت که یکی از آن در مدینة اللّه در جوار بیت اعظم ثالث الحرمین عالم بهائی و دیگری در مدینهٴ دهلی عاصمهٴ خطّهٴ وسیعهٴ هندوستان و ثالث در شمال قارّهٴ اروپ مدینهٴ استکهلم عاصمهٴ اسوج و رابع در جنوب آن قارّه در عاصمهء ایطالیا در مدینهء رومیّه که مقرّ حبر اعظم و محور و مرجع اعلای اقدم و اهمّ مذاهب منشعبه از امّت مسیحیّه است و خامس در مدینهٴ سیدنی که اوّلین مرکز امر اللّه است و از مدن مهمّهء قارّهٴ فسیحهء نائیهء استرالیا محسوب

هدف هشتم بنای اوّلین مؤسّسه از توابع و ملحقات امّ المعابد غرب در ایالات متّحده که در تاریخ امر بی سابقه و باعث استحکام روابط بین جامعهء پیروان امر الٓهی و ساکنین آن دیار خواهد گشت

هدف نهم تعیین وظائف و اتّساع دائرهٴ اقدامات و خدمات ایادی امر اللّه در سراسر عالم بهائی

هدف دهم تأسیس محکمهٴ بهائی در ارض اقدس که مقدّمهٴ انتخاب و تشکیل اعظم هیئت تشریعیّهء جامعهٴ پیروان امر الٓهی و استقرار بیت عدل اعظم در ارض اقدس خواهد بود

هدف یازدهم تنظیم و تدوین احکام منصوصهٴ کتاب مقدّس اقدس امّ الکتاب آئین بهائی ناموس اکبر "میزان الهدی بین الوری و برهان الرّحمن لمن فی الارضین و السّموات".

هدف دوازدهم تأسیس شش (٦) محکمهٴ ملّی بهائی در اعظم مدن ممالک اسلامیّه در مدینة اللّه عاصمهٴ عراق عرب و ارض طاء عاصمهٴ کشور مقدّس ایران و مدینهٴ قاهره عاصمهٴ قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و دهلی عاصمهٴ هندوستان و کراچی عاصمهٴ پاکستان و کابل عاصمهٴ افغانستان

هدف سیزدهم اتّساع دائرهٴ موقوفات بین المللی بهائی در دامنهٴ جبل ‌کرمل و مرج عکّا

هدف چهاردهم بنای محفظهٴ آثار بین المللی در جوار پر انوار مقام اعلی و در قرب مرقد بقیّة البهاء خانم اهل بهاء و رمسین مطهّرین غصن شهید بها و ورقهٴ مبارکهٴ علیا

هدف پانزدهم بنای مرقد منوّر حرم نقطهٴ اولی در مدینهٴ طیّبهٴ شیراز

هدف شانزدهم تعیین مدفن والد ماجد جمال قدم و اسم اعظم و مخدّرهٴ کبری امّ نقطهٴ اولی و ابن خال آن حضرت و انتقال رمس آنان بگلستان جاوید بهائیان در جوار بیت اعظم در مدینة اللّه

هدف هیفدهم تملّک باغ رضوان در مدینة اللّه و ابتیاع محلّ و مقرّ سجن اکبر جمال رحمن در مدینهٴ طهران و مشهد نقطهٴ بیان در مدینهٴ تبریز و محبس آن حضرت در جبل شدید در آذربایجان

هدف هیجدهم تزیید عدّهء محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر که مستلزم تشکیل بیست و یک (٢١) محفل در قارّهٴ امریک و سیزده (١٣) محفل در قارّهٴ اروپ و ده (١٠) محفل در قارّهٴ آسیا و سه محفل در قارّهٴ افریقیا و یک محفل در قارّهٴ استرالیا و از بیست و یک محفل مرکزی که باید به همّت محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در قارّهٴ امریک تأسیس گردد بیست محفل در جمهوریّات مرکزی و جنوبی آن قارّه و یک محفل در اقلیم آلَسکا در قارّهٴ شمالی واقع و از سیزده محفل مرکزی که در قارّهٴ اروپ تأسیس خواهد گشت دوازده محفل به همّت محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در عواصم ممالک مستقلّهء اسوج و نروج و لکسمبورگ و بلجیک و دانمارک و هلند و فرانسه و فینلند و پرتقال و اسپانیا و سویس و ایطالیا و یک محفل دیگر به همّت محفل مرکزی بهائیان آلمان در عاصمهٴ مملکت نمسه تشکیل خواهد شد و از ده محفل مرکزی که در قارّهٴ آسیا من بعد تأسیس میگردد چهار محفل به همّت محفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما در عواصم جزیره سیلان و برما و پاکستان و در منطقهٴ واقعه در شرق جنوبی قارّهٴ آسیا در مدینهٴ جاکارتا عاصمهٴ مجمع الجزایر ایندونیزیا و (٣) محفل به همّت محفل مرکزی بهائیان ایران در عربستان در جزیرهٴ بحرین و عاصمهٴ ترکیه و عاصمهٴ افغانستان و دو محفل به همّت محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در عاصمهٴ ژاپان و در جزایر محیط اعظم در مدینهٴ سووا عاصمهٴ جزایر فیجی و یک محفل به همّت محفل مرکزی بهائیان عراق در شرق ادنی در ارض با تشکیل خواهد گشت و از ٣ محفل مرکزی که در قارّهٴ افریقیا تشکیل میگردد یک محفل به همّت محفل مرکزی بهائیان بریطانیا و موسوم بمحفل مرکزی بهائیان افریقیای شرقی و مرکزی و مرکزش در مدینهٴ کمپالا و دیگری به همّت محفل مرکزی بهائیان افریقیای غربی و جنوبی و مرکزش در مدینهء جوهانزبرگ و دیگری به همّت محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان و موسوم بمحفل مرکزی بهائیان در شمال غربی افریقیا و مرکزش در مدینهء تونس و محفل مرکزی اخیر به همّت محفل مرکزی بهائیان استرالیا در عاصمهٴ جزیرهٴ نیوزیلند در مدینهٴ اوکلند تأسیس خواهد گشت

هدف نوزدهم تزیید حظائر قدس ملّی به هفت برابر که مستلزم تأسیس بیست و یک (٢١) حظیره در قارّهء امریک و پانزده (١٥) حظیره در قارّهٴ اروپ و نه (٩) حظیره در قارّهٴ آسیا و سه (٣) حظیره در قارّه افریقیا و یک حظیره در جزیرهٴ نیوزیلند و حظیره ئی دیگر در مدینهٴ لندن و این حظائر قدس ملّی در جمیع عواصم و مراکزی که در آن در سنین آتیه محافل مرکزی تأسیس خواهد شد استقرار خواهد یافت

هدف بیستم تدوین قانون اساسی و نظامنامهٴ ملّی بهائی و تأسیس موقوفات ملّی در هر یک از عواصم و مدن ممالک مستقلّه و اقالیم تابعهٴ مذکوره

هدف بیست و یکم تزیید عدد محافل مرکزی روحانی که تا بحال رسماً تسجیل گشته به بیش از پنج برابر که مستلزم تسجیل هر یک از محافل مرکزی ملّی که من بعد تأسیس خواهد یافت و باضافه تسجیل محفل مرکزی بهائیان ایران و عراق

هدف بیست و دوم تأسیس شش مؤسّسهٴ مطبوعات ملّی بهائی که دو مؤسّسه از آن در قارّهٴ آسیا یکی در طهران و دیگری در عاصمهٴ هندوستان و یک مؤسّسه در قارّهٴ شمالی امریک در شهر ویلمت و دیگری در قارّهٴ جنوبی در مدینهٴ ریودو جانرو و مؤسّسه دیگر در قارّهٴ افریقیا در مدینهٴ قاهره و دیگری در قارّهٴ اروپ در مدینهٴ فرانکفورت تأسیس خواهد گشت

هدف بیست و سوم اشتراک اماء الرّحمن ایران در عضویّت محافل روحانی ملّی و محلّی

هدف بیست و چهارم تأسیس شعبه های محافل روحانی ملّی بهائیان ایران و عراق و بریطانیا و استرالیا و آلمان و کندا در ارض اقدس بر حسب قوانین و مقرّرات حکومت جدید التّأسیس اسرائیل

هدف بیست و پنجم تأسیس مطبعهء ملّی بهائی در عاصمهء ایران

هدف بیست و ششم تحکیم روابط بین جامعهٴ بین المللی بهائی و هیئت امم متّحده

هدف بیست و هفتم در صورت امکان انضمام یازده جمهوریّت که از اجزاء اتّحاد جماهیر شوروی محسوبند و دو کشور از کشورهای اروپ که مرتبط و تحت نفوذ آن هیئت است بدائرهء نظم اداری امر الٓهی بواسطهٴ محافل مرکزی بهائیان در ایران و امریک و آلمان

هدف بیست و هشتم که هدف اخیر و مسک الختام این جهاد عظیم و کبیر است انعقاد کنگرهٴ جهانی بهائی در جوار باغ رضوان که ثالث الحرمین عالم بهائی است بمناسبت جشن افخم اعزّ اعظم که مقارن با صدمین سال دعوت جهری جمال قدم و ارتقاء آن موعود امم و محیی رمم بر سریر سلطنت الٓهیّه خواهد بود و در سراسر عالم بهائی بر پا خواهد گشت

یا احبّاء البهاء و مشاعل حبّه و منابع ذکره بین بریّته چه مقدار عظیم و خطیر است این جهاد جهانی روحانی و چه رفیع است مقام و منزلت فارسان مضمار عبودیّت و مجاهدان و باسلان این مبارزات در این عصر اعزّ مشعشع نورانی آنچه را لسان عظمت در این روز فیروز بآن شهادت داده به یاد آورید قوله عزّ بهائه " لعمر اللّه از برای ناصر مقدّر شده آنچه که خزائن ارض بآن معادله ننماید"

در این اوان که جشن اکبر ابهی بر پا صدای الوَحا الوَحا یا احبّاء البهاء العَجل العَجل یا امناء البهاء از عالم بالا متصاعد و هُتاف یا طوبی و یا بشری و یا عزّا و یا شرفا لمن قام بکلّیّته علی نصرة امر البهاء از ملأ اعلی متتابع و رنّهٴ ملکوتی انصرونی انصرکم العهد منکم و الوفاء من ربّکم و معینکم و ناصرکم از خلف سرداق ابهی مرتفع یوم یوم جهاد کبیر اکبر است و زمان زمان تشتّت و هجرت و مجاهدت و مبارزت و جانفشانی و استقامت در سبیل امر مالک قدر میقات ظهور وعود الهیّه و بروز اسرار مکنونه و تحقّق بشارات عظیمه و جلوهٴ انتصارات باهره و وقوع وقایع خطیرهٴ جسیمه در شرق و غرب و جنوب و شمال جامعهٴ پیروان آئین حضرت احدیّه غیث عنایت هاطل است و نسائم جان پرور بشارت دهندهٴ طلوع فجر عزّت امر بها در هبوب وسائل و اسباب در اثر استقرار نظم بدیع الهی کاملاً مهیّا "و کلّ الاشیاء" بفرمودهء ربّ البرایا "حامل فیوضات و استعدادات لا تحصی" جنود الهام صائل و صفوف ملائکهٴ تأیید مصفوف میدان وسیع و دشمنان دیرین در شرفهٴ زوال الواح نصحیّه و ارشادات الهیّه منتشر و نقشهٴ ملکوتی در انظار عالمیان مکشوف و کیفیّت تنفیذش از قلم غصن بها مرقوم و اهدافش مصرّح و معلوم فرمان سالار جند بها صادر و اهل ملأ اعلی ناظر و منتظر وقت قیام و خروج و هجوم و جوش و خروش و کفاح و تسخیر مدن و فتح اقطار و غلبه بر جهان و جهانیان است اهل بها کما امرهم مولاهم و محبوبهم باید چون هوا لطیف شوند و چون نار مشتعل گردند و از ثقل ما سوی الله خفیف شوند و چون اریاح بر اقطار و اشطار مرور نمایند و از تلوّنات و تطوّرات و انقلابات عالم افسرده و مضطرب نگردند بقوّهٴ توکّل بیرون آیند و به ردای تقوی مُرتدی گردند و برجل استقامت قدم بمیدان گذارند و بانقطاعی بی نظیر و با توجّهی تامّ و قلبی پر فتوح و عزمی چون کوه آهنین مانند اولیاء و اصفیاء از پیشینیان در ممالک و بلدان متشتّت شوند و عالم کون را بحرکت آورند و در جبال و اودیه و براری و صحاری و جزائر ندای جانفزای یا بهاء الابهی را به سمع وضیع و شریف از طوائف و قبائل و عشائر و مذاهب و ادیان و طبقات و اجناس مختلفه رسانند پرچم امر اللّه را در ماوراء مدار قطب شمال مرتفع سازند و صیت آئین الهی را در جزائر واقعه در اقصی جنوب نمیکرهٴ غربی مرتفع نمایند آوارهٴ صحاری عربستان و جبال و اتلال و دشتهای وسیعهٴ قارّهٴ آسیا و آجام افریک گردند و در مناطق بعیدهٴ صعب المرور در جزائر پاسیفیک در قلب محیط اعظم اقامت نمایند آرام نگیرند راحت نجویند و تأسّی به مطالع انوار در عصر رسولی نمایند و مداومت نمایند تا از خود در صحیفهٴ عالم یادگاری گذارند که عرفش الی ابد الدّهور مشام روحانیانرا معطّر سازد

ای یاران عزیز تر از دل و جان تصوّر منمائید که تنفیذ و اجرای این نقشه و وصول باهداف این جهاد خطیر جهانی روحانی در این ایّام پر اغتشاش و انقلاب صعب و یا آنکه ممتنع و محال است اگر یاران با وفا چنانچه لایق و شایستهٴ عبودیّت آستان بهاست منقطعاً عن الجهات قیام نمایند و استقامت کنند این انقطاع و قیام و استقامت چنان نفوذی در هویّت عالم امکان نماید و تأثیر در آفاق و انفس نماید که خود حیران گردند ان اذکروا فیهذا المقام ما صدر من قلم المیثاق " حضرت اعلی روحی له الفداء میفرماید لو ارادت نملة ان یفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لانّ السّرّ الصّمدانیّة قد تلجلج فی حقیقة الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال قدم روحی لاحبّائه الفداء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود"

ای یاران جان نثار بیقین مبین بدانید که در نتیجهٴ وقایع خطیرهٴ جسیمه که در پیش است و انتصارات باهره که آثار اوّلیّه اش در جامعهٴ بهائی حال نمایان گشته و در اثر تأییدات لاریبیّهٴ الٓهیّه و انقلابات جهان که متتابعاً متزایداً از پس پردهٴ قضا ظاهر و پدیدار میگردد امر عزیز الٓهی در عهود آتیهٴ عصر تکوین که عصر ثانی دور بهائی است و در عصر ذهبی که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدّس است مراحل باقیه را در کافّهٴ ممالک و دیار که بانوار ساطعه اش در این قرن پر انوار منوّر گشته طی نماید و وعود الٓهیّه که در خزائن صحف قیّمه مخزون است کلّ تحقّق یابد دورهٴ مجهولیّت که اوّلین مرحله در نشو و نمای جامعهٴ اهل بهاست و مرحلهٴ ثانیهٴ مظلومیّت و مقهوریّت که در وقت حاضر در کشور ایران امر مبارک جمال ابهی آنرا طی مینماید هر دو منقضی گردد و دورهٴ ثالث که مرحلهٴ انفصال شریعت اللّه از ادیان منسوخهٴ عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدّمهٴ ارتفاع علم استقلال دین اللّه و اقرار و اعتراف بحقوق مسلوبهٴ اهل بها و مساوات پیروان امر جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان و این استقلال ممهّد سبیل از برای رسمیّت آئین الٓهی و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امّت مسیحیّه گشت و این رسمیّت بمرور ایّام مبدّل و منجر بتأسیس سلطنت الٓهیّه و ظهور سلطهٴ زمنیّهٴ شارع این امر عظیم گردد و این سلطنت الٓهیّه مآلاً بتأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوهٴ سیطرهٴ محیطهء ظاهری و روحانی مؤسّس آئین بهائی و تشکیل محکمهٴ کبری و اعلان صلح عمومی که مرحلهء سابع و اخیر است منتهی گردد اینست که میفرماید " این ظلمهای واردهٴ عظیمه تدارک عدل اعظم الٓهی می نماید" و این عدل اعظم یگانه اساس صلح اعظم و صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیهٴ ملل و امم و این وحدت اصلیّه کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم خواهد بود

و این مرحلهء اخیره بنفسه مقدّمهء ظهور و جلوهٴ مدنیّت حقیقیّهء الٓهیّه و بلوغ عالم به رتبهٴ کمال که اعلی المراتب است و تبدیل ارض به قطعه‏ئی از فردوس اعظم "اذاً تری الارض جنّة الابهی" فسبحان ربّنا البهیّ الابهی و سبحان ربّنا العلیّ الاعلی و حال در خاتمهٴ این اوراق شمّه‏ئی از آنچه از سماء مشیّت نیّر آفاق و از قلم گهر بار مرکز عهد و میثاق در بیان لزومیّت و اهمّیّت امر خطیر تبلیغ امر اللّه و نصرت دین اللّه و مهاجرت فی سبیل اللّه نازل گشته ثبت میگردد لیکون ختامه مسک و فی ذلک کفایة للمتبصّرین و تذکرة و تبصرة للمخلصین .

"یا اهل البهاء انتم نسائم الرّبیع فی الآفاق بکم زیّنّا الامکان بطراز عرفان الرّحمن و بکم ابتسم ثغر العالم و اشرقت الانوار ... ان اخرجوا من افق الاقتدار باسم ربّکم المختار و بشّروا العباد بالحکمة و البیان بهذا الامر الّذی لاح من افق الامکان ایّاکم ان یمنعکم شیءٌ عمّا امرتم به من القلم الاعلی اذ تحرّک علی اللّوح بسلطان العظمة و الاقتدار طوبی لمن سمع صریره اذ ارتفع بالحقّ بین الارضین و السّموات ... طوبی لمحلّ و لبیت و لمقام و لمدینة و لقلب و لجبل و لکهف و لغار و لاودیة و لبرّ و لبحر و لجزیرة و لدسکرة ارتفع فیها ذکر اللّه و ثنائه ... نفس حرکت لوجه اللّه در عالم مؤثّر بوده و هست و در کتب قبل مقام توجّه مخلصین باطراف لاجل هدایت عباد مذکور و مسطور ... امروز روز بیان است باید اهل بها بکمال وفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلی هدایت نمایند. اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیّه بنفحات کلمهٴ الٓهیّه اجساد را بارواح تازه زنده نمایند در هر کلمه روح بدیع مستور طوبی از برای نفسی که باو فائز شد و بتبلیغ امر مالک قدم قیام نمود ... ان یا احبّاء اللّه لا تستقرّوا علی فراش الرّاحة و اذا عرفتم بارئکم و سمعتم ما ورد علیه قوموا علی النّصر ثمّ انطقوا و لا تصمتوا اقلّ من آن و انّ هذا خیر لکم من کنوز ما کان و ما یکون لو انتم من العارفین ... و نفسه الحقّ سوف یزیّن اللّه دیباج کتاب الوجود بذکر احبّائه الّذین حملوا الرّزایا فی سبیله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره و یفتخر کلّ من فاز بلقائهم بین العباد و یستنیر بذکرهم من فی البلاد ... انّ الّذین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الامر یؤیّدهم الرّوح الامین ... فو اللّه الّذی لا اله الّا هو لو یقوم واحد منکم علی نصرة امرنا لیغلّبه اللّه علی مائة الف و لو ازداد فی حبّه لیغلّبه اللّه علی من فی السّموات و الارض کذلک نفخنا حینئذ روح القدرة فی کلّ الاشطار

در کتاب وصایا آخرین ندای حمامهٴ ایکهء وفا و غصن برومند سدرهء منتهی و مرکز میثاق بها خطاب باهل بها و جالسین فلک ابهی این کلمات درّیّات مدوّن و مسطور " ای ثابتان بر پیمان این طیر بال و پر شکسته و مظلوم چون آهنگ ملأ اعلی نماید و بجهان پنهان شتابد و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا مفقود گردد باید افنان ثابتهٴ راسخه بر میثاق اللّه که از سدرهٴ تقدیس روئیده اند با حضرات ایادی امر اللّه علیهم بهاء اللّه و جمیع یاران و دوستان بالاتّفاق بنشر نفحات اللّه و تبلیغ امر اللّه و ترویج دین اللّه بدل و جان قیام نمایند دقیقه ئی آرام نگیرند و آنی استراحت نکنند در ممالک و دیار منتشر شوند و آوارهٴ هر بلاد و سرگشتهء هر اقلیم گردند دقیقه ئی نیاسایند و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند در هر کشوری نعرهٴ یا بهاء الابهی زنند و در هر شهری شهرهء آفاق شوند و در هر انجمنی چون شمع بر افروزند و در هر محفلی نار عشق بر افروزند تا در قطب آفاق انوار حقّ اشراق نماید و در شرق و غرب جمّ غفیری در ظلّ کلمة اللّه آید و نفحات قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب ربّانی شود و نفوس رحمانی گردد در این ایّام اهمّ امور هدایت ملل و امم است باید امر تبلیغ را مهمّ شمرد زیرا اسّ اساس است این عبد مظلوم شب و روز بترویج و تشویق مشغول گردید دقیقه ئی آرام نیافت تا آنکه صیت امر اللّه آفاق را احاطه نمود و آوازهٴ ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الٓهی نیز چنین باید بفرمایند اینست شرط وفا و اینست مقتضای عبودیّت آستان بها حواریّون حضرت روح بکلّی خود را و جمیع شئون را فراموش نمودند و ترک سر و سامان کردند و مقدّس و منزّه از هوی و هوس گشتند و از هر تعلّقی بیزار شدند و در ممالک و دیار منتشر شدند و بهدایت من علی الارض پرداختند تا جهانرا جهان دیگر کردند و عالم خاک را تابناک نمودند و به پایان زندگانی در راه آن دلبر رحمانی جانفشانی کردند و هر یک در دیاری شهید شدند فبمثل هذا فیعمل العاملون" و در لوحی از الواح میفرماید "وقت آنست که جوش دریا زد و اوج ثریّا جست ... وقت تنگ است و حرکت خیل الهی بی درنگ باید سبقت و پیشی گرفت و شمع نورانی افروخت" و در مقامی دیگر این کلمات درّیّات از یراعهٴ مرکز عهد ربّ الآیات البّینات خطاب بیاران خطّهٴ امریک صادر "یقین بدانید که هر نفسی الیوم به نشر نفحات اللّه قیام نماید جنود ملکوت اللّه تأیید فرماید و الطاف و عنایات جمال مبارک احاطه کند ای کاش از برای من میسّر میشد که پای پیاده و لو بکمال فقر به آن صفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهر ها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاء الابهی میگفتم و ترویج تعالیم الٓهی مینمودم ولی حال از برای من میسّر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم" و التّکبیر و البهاء و التّحیّة و الثّناء علیکم و علی الّذین سمعوا و أجابوا نداء ربّهم و محبوبهم و ترکوا أوطانهم و نسوا أوکارهم و فدوا راحتهم و رخائهم و سرعوا إلی الأقالیم القاصیة و الأقطار الشّاسعة فی مشارق الأرض و مغاربها حبًّا للّه و خالصًا لوجهه و اتّباعًا لأمره و إعزازًا لدینه الأعزّ الأوعر الأفخم الأقدس الخطیر

نوروز ١١٠

بندهء آستانش شوقی